

نام مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۱۸ - شنبه ۲ خرداد ۱۳۶۰، دوره هفتم، سال سوم
۱۸ رجب ۱۴۰۱ - بهار ۱۵ ریال

رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق نقش ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه را بعهده میگیرد

در دیدار اخیر آقا شاهی، وزیر امور خارجه پاکستان، از واشنگتن، که در روزهای اول اردیبهشت ۶۰ انجام گرفت، دولت آمریکا موافقت خود را در مورد کمکهای نظامی با پاکستان بمنگ دونیلارد و پانصد میلیون دلار اعلام کرد. طبق گزارش خبرگزاری یونایتد پرس، از جمله تسلیحاتی که در اعتبارات کلمه نظامی آمریکا به پاکستان پیش بینی شده است، هواپیماهای بمب افکن اف-۱۶ خواهد بود.

بقیه در صفحه ۴

کمر بند توطئه های امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم هار و متجاوز آمریکا، گرد مبین انقلابی ما تنگ و تنگتر میشود. توطئه ششم آمریکا، که جنگ تحمیلی صدام علیه ایران است، نتوانست امپریالیسم را به هدف اساسی اش، که درهم شکستن انقلاب و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران است، برساند. اما این شکست آشکار و ناکامی توطئه های پیشین امپریالیسم، او را سرعقل نیاورده، بلکه جری تر و گستاخ تر ساخته است. اکنون سخن از تحریکات آمریکا و پاکستان در منطقه سیستان و بلوچستان است که وظیفه افروختن نایره جنگ «شیمه و سنی» را دارد. در آن سوی نواحی مرزی ایران و پاکستان، ضیاء الحق مقلد «اسلام آمریکائی» سرگرم ساختن سنگرهای بتونی است تا همچون صدام جنتیکار، از درون این سنگرها انقلاب ایران را نشانه گیرد.

فعالیت های تخریبی موساد (سازمان جاسوسی) در ایران اسرائیل

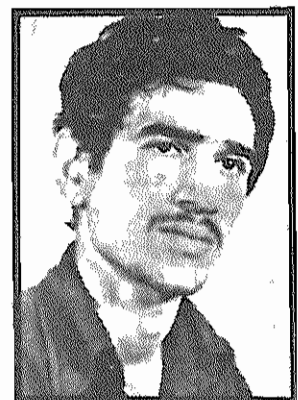
دیگر شمرستانها مستقیماً شرکت میکردند. اما هیچ تلاشی نتوانست از سقوط آن رژیم جلوگیری کند، موشه کاپسال، که در آن زمان در تهران بود، و دیگر عاملین اسرائیل نتوانستند از نابودی شبکه گسترده جاسوسان موساد در ایران ممانعت بعمل آورند. بسیاری از سرسپردگان رژیم شاه و جاسوسان موساد از بیم مجازات و خشم برحق مردم به اسرائیل فرار کردند. مثلاً تاتی معاون رئیس ساواک و سرلشکر پالیزبان اکنون در اسرائیل هستند و با کمک موساد در آنجا گروه های تروریستی را سازمان

مفسر رادیو مسکو در این باره میگوید: «ما اگر جاسوسی دول امپریالیستی و دولت صهیونیستی اسرائیل بطور مداوم علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکنند. در این زمینه بویژه «موساد» (سازمان جاسوسی اسرائیل) نقش بسیار فعالی دارد. در دوران رژیم شاه موساد با «سیاه» آمریکا و ساواک همکاری نزدیکی در ایران داشت و یکی از عوامل حفظ و ثبات این رژیم بود. گروه های ویژه موساد در عملیات سرکوب مسلحانه بسیاری از تظاهرات و راهپیمایی های ضد سلطنتی مردم ایران در تهران و

رادیو مسکو در این باره روز ۲۸ اردیبهشت ۶۰، خود به زبان فارسی تفسیری درباره فعالیت های تخریبی «موساد» (سازمان جاسوسی اسرائیل) در ایران بخش کرد. در این تفسیر آمده است: «طبق گزارش خبرگزاری فرانس پرس باروخ چدوک و دوتن دیگر از فعالان جمعیت کلیمیان در تهران بازداشت شده اند. این اقدام مقامات رسمی ایران، موجب نارضایتی آشکار زمامداران اسرائیل شده است. اظهارات موشه کاپسال یکی از سران کمیته کلیمیان ایران، که سال گذشته در تل آویو تشکیل شده، مویده این امر است.»

نه، این قافله را اسرائیل استانی نیست

رفیق شهید، توده های قهرمان، جهانگیر خادم محمدی، به قافله شهدای توده های پیوست



رحمکنان رنج دیده ایران از یک میر می گذشت: کار و کار و کار. کاری که همه توان او را می ربود و حاصلش حداقل معاش برای ادامه زندگی بود. رفیق شهید برای آنکه بتواند درس بخواند، مجبور بود تابستانها کار کند. در اولین کوشش برای

رفیق قهرمان دیگری، درجه بندی با تجاوزگران صدامی - آمریکا جان خود را فدا کرد. یک توده ای دیگر، رفیق شهید جهانگیر خادم محمدی، در حالی که ترکش خمپاره قلمش را به چندپاره می کرد، با شعار «مرگ بر آمریکا»، به قافله شهدای توده های پیوست. رفیق جهانگیر در سال ۱۳۴۰، در یک خانواده زحمتکش، در قلب رنج و کار، چشم بر جهانی گشود که هیولای سرمایه و دیکتاتوری حافظ آن، مبین ما را در پنجه های خونین می فشرد. رفیق جهانگیر، که سومین فرزند خانواده خانم محمدی بود، مانند دیگر بچه های یوسف آباد لاهیجان، در رزم لحظه به لحظه قد کشید و بالید. زندگی او بسا هستی

یافتن کار، خود را در کارخانه های جای یافت و در آنجا بود که چهره کربیه استعمار را به روشنی دید و با ددمنشی سرمایه داری آشنا شد. تابستان بعد که رفیق جهانگیر به کار ساختمان سازی پرداخت، دیگر با گوشت و پوست خود استعمار را می شناخت و اعماق جاننش از کینه علیه سرمایه لبریز میشد. آنجا که به آوای حزین کارگران گوش می داد، قلبش از عشق به زحمتکشان و نفرت به سرمایه داران لبریز می شد. و او در جست و جوی خویش برای ویران کردن این جهان نفرت آور آموخت که: «باید به آینده امید داشت. باید به کار و به مهربانی و دوست داشتن امید داشت و آینده یقیناً در صفحه ۴

نگذاریم که خطر امپریالیسم آمریکا - دشمن اصلی مردم ایران، نادیده و یا ناجیز گرفته شود

روز دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۶۰،
بعد از اخبار شب در شبکه اول:

بحث آزاد تلویزیون

در باره «آزادی، هرج و مرج، زورمداری»
باشرکت حزب توده ایران
پخش می شود

در این بحث رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکت کنندگان در این بحث عبارتند از: آقای بهشتی (از حزب جمهوری اسلامی ایران)، آقای پیمان (از جنبش مسلمانان مبارز) و آقای فتاپور (از سازمان فدائیان خلق «اکثریت»).

تذکر: طبق اطلاع قبلی تلویزیون قرار بود که این بحث در روزهای دوشنبه ۴ و سه شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۰ پخش شود. ولی روز پنجشنبه تلویزیون اعلام کرد که بعلت تراکم برنامه، بخش اول این بحث ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه اول خرداد پخش می شود. و دیروز بخش اول این بحث در محیط سالم و باموقفیت برگزار شد.

ارتفاعات الله اکبر به تسخیر نیروهای مسلح انقلاب درآمد

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه طی یک حمله گسترده به مواضع تجاوزگران صدامی که ارتفاعات الله اکبر در

۳۴ سال از شهادت فریدون ابراهیمی، فرزند برومند خلق آذربایجان گذشت

پرچم مبارزه و فتح بر دارستم



خلق را بر فراز ویرانه های ستم برافراشتند. یاد فریدون ابراهیمی در قلب و اندیشه خلق آذربایجان و دیگر خلقهای ایران، جاویدان است.

باغ گلستان به درجه ۴، مبارزه برای استقلال و آزادی و ترقی ایران، بدست آنها پدار آویخته شد. فریدون ابراهیمی، توده ای قهرمان، نویسنده ای فعال، حقوق دانی برجسته و فرزند دلیر خلق آذربایجان بود. او پس از تشکیل حکومت ملی آذربایجان در مجلس موسسان به عضویت هیئت حکومت ملی خلق برگزیده شد و بعنوان دادستان کل آذربایجان به مبارزه علیه رژیم وابسته و ستمکار پهلوی ادامه داد و سرانجام نیز در همین راه به شهادت رسید. راه او را دیگر فرزندان دلیر خلق آذربایجان و همه مردم انقلابی ایران، ادامه دادند و سرانجام پرچم مبارزه سترگ

«دستهای پینه بسته، دره های محکم زندانها و شکنجه گاهها را خواهند گشود و جلادان و ستمکاران را نابود خواهند کرد». این خواست اکنون به تحقق پیوسته است، اما گوینده این کلمات، ۳۴ سال پیش جان پاک خویش را برای تحقق این آرمان فدا کرد. او فریدون ابراهیمی، فرزند برومند خلق آذربایجان، توده ای قهرمان و دادستان کل حکومت ملی آذربایجان، ۳۵ سال پیش در سنگر کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان، پس از ۳۴ ساعت نبرد مسلحانه با دشمنان شاه ملعون، به اسارت درآمد و در ۴ صبح روز اول خرداد ۱۳۲۶، در خیابان ستارخان تبریز جلوی

لئونید برژنف در جشن شصت سالگی جمهوری و حزب کمونیست گرجستان: رویدادهای خاور میانه هم تأسف آور است، هم خطرناک

★ جنگ اعلان نشده علیه افغانستان باید پایان یابد.
★ اتحاد شوروی نمیتواند استقرار موشک های اتمی جدید آمریکا را در اروپا بپذیرد

شصتین سالگرد تاسیس جمهوری و حزب کمونیست گرجستان ادا کرد. برژنف گفت: «رویدادهای خاور میانه هم تأسف آور است و هم خطرناک. بقیه در صفحه ۴

در باره مسائل عمده جنگ و صلح شد، تا، بدینسان، جو بین المللی سالم تر گردد». لئونید برژنف این سخنان را در کردهایی در تقیلس بمناسبت

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، یازدهم روز خوارستار «مذاکره فعال

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

رژیم دیکتاتوری ضیاءالحق...

بقیه از صفحه ۱

توافق اخیر آمریکا و پاکستان درباره کمکهای نظامی به پاکستان از جانب دولت آمریکا، بیانگر اهداف استراتژی نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه است، که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و انقلاب دمکراتیک در افغانستان، به اشکال گوناگون مرحله اجرا در آمده است. تدارکات جنگی گسترده امپریالیسم آمریکا طی دوران پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری دستنشانده محمدرضای مملون در ایران و تمرکز نیروهای عظیم دریایی، هوایی و زمینی در این منطقه، با تقویت قدرت نظامی رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا در منطقه همراه بوده و امپریالیسم آمریکا سعی کرده است که برای جبران مواضع نظامی از دست رفته خود در این منطقه، سرزمین این کشورها را به پایگاه نظامی خود تبدیل سازد و کشورهای مستقل ملی منطقه و قبل از همه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک افغانستان را در حلقه محاصره نظامی قرار دهد و در برابر کشورهای عضو جبهه پایداری، جبهه توطئه و تجاوز و تحریکات نظامی از رژیمهای ضد خلقی و وابسته به خود در این منطقه را بوجود آورد. در اجرای این طرح به پاکستان نقش ویژه و مهمی محول شده است.

روزنامه آمریکائی «لوس آنجلس تایمز» به این پرسش که: چه انگیزه‌ای ایالات متحده آمریکا و چین را وادار ساخته که با این مقیاس گسترده به تقویت نیروی نظامی پاکستان بپردازند و این کشور را به پایگاه نظامی و سرپل تجاوزات و اقدامات ماجراجویانه خود تبدیل سازند، چنین پاسخ میدهد:

رژیم پاکستان بر حسب ماهیت دیکتاتوری و موقعیت جغرافیائی و استراتژیکی خود مناسبترین کشور در این منطقه است که آماده و قادر است نقش مجری فعال سیاست امپریالیسم آمریکا در منطقه را ایفا کند.

در این مورد چکاندرسن، مفسر روزنامه واشنگتن پست، در تفسیری درباره روابط آمریکا و پاکستان نوشت:

«دولت ریگان مسئله مربوط به انعقاد پیمان دفاعی جدید با پاکستان را بررسی میکند».

در این تفسیر آمده است که:

«رژیم ضیاءالحق از نظر واشنگتن مناسبترین رژیم نظامی برای پاسداری منافع آمریکا در حوزه خلیج فارس است».

روشن چاندر، رئیس شورای جهانی صلح، در مورد روابط دولت آمریکا و پاکستان به این مطلب اشاره کرد که، آمریکا پاکستان را به پایگاه نظامی جدید تجاوز در منطقه تبدیل کرده و ضیاءالحق، دیکتاتور پاکستان، نقش ژاندارم منطقه را بجای شاه ملعون بعیده میگیرد.

روزنامه «تایمز آو ایندیا» نیز در این باره نوشت که آمریکا میخواهد نقش ژاندارم منطقه را، که در سابق شاه مخلوع ایران بعیده داشت، به ضیاءالحق، دیکتاتور دستنشانده خود در پاکستان، واگذار کند.

قراردادهای نظامی و تسلیحاتی که طی دو سال اخیر، رژیم دیکتاتوری نظامی «ضیاءالحق» منعقد ساخته، بخوبی نشان میدهد که جریان تبدیل پاکستان به پایگاه تجاوز و توطئه‌های نظامی از کانالهای گوناگون، یعنی مستقیماً از جانب آمریکا، کشورهای عضو پیمان «ناٹو»، چین و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا در منطقه انجام میگردد.

چندی پیش صندوق بین‌المللی پول، که زیر نفوذ و کنترل آمریکا و دیگر دول امپریالیستی عضو «پیمان ناٹو» قرار دارد، موافقت خود را با واگذاری وامی به مبلغ یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار به پاکستان اعلام کرد. ناظران سیاسی بر این عقیده‌اند که وام صندوق بین‌المللی پول، بمنظور تأمین هزینه‌های نظامی سنگینی که پاکستان صرف خرید اسلحه و تجهیزات نظامی میکند، به رژیم ضیاءالحق داده شده است. روز ۲۴ اردیبهشت ۶۰، «کمیسون روابط خارجی سنای آمریکا» برنامه از سرگیری کمک‌های نظامی وسیع آمریکا به پاکستان را تصویب کرد. در این کمیسیون همچنین تصویب شد که برای تسلیح نظامی آمریکا به کشورهای که برای تهیه سلاح اتمی کوشش میکنند، افزوده شد که بموجب آن، پاکستان مشمول این منع نخواهد بود. بدینسان دست دولت آمریکا برای هرگونه کمک نظامی به پاکستان باز گذارده شده است.

از سوی دیگر عربستان سعودی و مصر نیز با رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق قراردادهای نظامی منعقد کرده‌اند و اعتبارات نظامی و کمکهای تسلیحاتی در اختیار این رژیم می‌گذارند. واحدهایی از ارتش پاکستان، در مقابل کمکهای نظامی و تسلیحاتی بلاعوض عربستان سعودی، بمنظور تقویت نیروی نظامی و شرکت در ساختمان تاسیسات نظامی در عربستان سعودی به آن کشور اعزام شده‌اند. همچنین بخش اعظم هزینه‌های نظامی و سایر هزینه‌های اردوگاه‌های ضد انقلابی افغانی، که در خاک پاکستان قرار دارند، بوسیله عربستان سعودی و مصر و دیگر رژیمهای ضد خلقی منطقه تأمین میشود.

ژنرال ضیاءالحق، علاوه بر اینکه کشور پاکستان را به پایگاه نظامی آمریکا و مرکز نیروهای ضد انقلاب افغانی و سرپل تجاوز علیه کشورهای مستقل ملی در این منطقه تبدیل ساخته، در اجرای سیاستهای توطئه‌گرانه و سرهم‌بندی بلوکهای نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه نقش فعالی دارد. چندی پیش ضیاءالحق به کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه مسافرت کرد. وی در جریان این مسافرت طرح تشکیل پیمان نظامی در منطقه را، که از جانب وزارت دفاع آمریکا تهیه شده است، با سران این کشورها در میان گذاشت. طبق این طرح تلاش میشود که یک پیمان نظامی با شرکت عربستان سعودی، سوئدی و دیگر رژیمهای وابسته به آمریکا در این منطقه تشکیل شود، که پاکستان در آن نقش ویژه‌ای خواهد داشت. به موازات امپریالیسم آمریکا و کمکهای نظامی و تسلیحاتی آن

بگین امکان کاهش «فعالیت‌های هوایی را بر فراز لبنان» رد کرد

بعقیده خیرگزای سوریه، اظهارات اخیر رهبران اسرائیل «مقاصد تجاوز کارانه «تل آویو» را در قبال سوریه ولبنان تأیید میکند». نخست‌وزیر اسرائیل، در مصاحبه‌ای در تلویزیون آمریکا امکان کاهش «فعالیت‌های هوایی را بر فراز لبنان» رد کرد. منظور از «فعالیت‌های هوایی» بمباران و پروازهای اکتشافی در لبنان است. بگین باردیگر خواستار فراخوانی موشک‌های ضد هوایی سوریه از لبنان شد. بعقیده سوریه، این مسئله جز بهانه‌ای برای تنش‌فزایی از سوی اسرائیل نیست، زیرا که

لئونید برژنف...

بقیه از صفحه ۱
نباید سرنوشت فلاکت بار میلوینها فلسطینی و لبنانی را که قربانی هوسرانی‌های نظامیان اسرائیلی قرار گرفته‌اند، نادیده گرفت. یک حرکت غفلت‌انگیز ممکنست هوایماهای جنگی را بر فراز سراسر خاورمیانه به پرواز دریاورد. رهبر شوروی پیشنهاد اتحاد شوروی را مبنی بر فراخوانی کنفرانسی بین‌المللی درباره مسائل خاورمیانه تکرار کرد. لئونید برژنف همچنین پیشنهاد هائی درباره عادی‌سازی اوضاع در

به پاکستان، رهبری مائوئیستی چین نیز در تبدیل پاکستان به پایگاه نظامی و سرپل تجاوز در این منطقه نقش مهمی را ایفاء میکند. طبق گزارش «خبرگزاری پرس تر است آو ایندیا»، در ماههای اخیر دید و بازدیدهای هیئت‌های نظامی چین و پاکستان گسترش یافته است. چندی پیش یک هیئت نظامی پاکستانی از پکن دیدن کرد. یک هیئت نظامی چین به ریاست کفیل فرماندهی نیروی دریایی چین نیز به پاکستان مسافرت کرد. در جریان این دیدارها و مذاکرات، مسئله ایجاد پایگاه نظامی دریایی چین در بندر کراچی بررسی شده است. بدنبال این مذاکرات «خبرگزاری پرس ایشیو اینتر نیشنال» هند از انعقاد یک قرارداد نظامی محرمانه میان رژیم ضیاءالحق و رهبری چین خبر داد، که بموجب آن چین در بندر کراچی یک پایگاه نظامی دریایی تأسیس خواهد کرد.

در گزارش همین خبرگزاری گفته می‌شود که تجهیزات نظامی و وسائل این پایگاه نظامی را دولت آمریکا تأمین میکند. بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا و رهبری چین در اجرای سیاست نظامیگری در پاکستان و تبدیل آن به پایگاه نظامی تجاوز و توطئه علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه و قبل از همه علیه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان، همه‌جانبه همکاری دارند.

در یاسالار لیوئاوشنگ، کفیل فرماندهی نیروی دریایی چین، که در راس یک هیئت نظامی از پاکستان دیدن کرد، در مورد تقویت نیروهای دریایی پاکستان اظهار داشت که ناوگان دریایی پاکستان باید در اقیانوس هند نقش مهمی را ایفاء کند. وی افزود که تشریک مساعی و عملیات نظامی مشترک ناوگان چین و پاکستان در این منطقه بسیار موثر خواهد بود.

سیاست واشنگتن برای تبدیل پاکستان به سرپل تجاوز در منطقه و تبدیل رژیم ضیاءالحق به ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه، با سیاستی که رهبران چین مدتهاست نسبت به رژیم ضیاءالحق در پیش گرفته‌اند، مطابقت کامل دارد. تاکنون در نواحی مرزی پاکستان با هند، با کمکهای چین، ۱۲ پایگاه نظامی تأسیس شده و راههای نظامی - استراتژیکی در این نواحی احداث گردیده است. تاکنون از جانب چین مقادیر زیادی اسلحه و مهمات در اختیار رژیم ضیاءالحق گذارده شده، که بمافکن‌های جنگنده‌شن‌یان اف ۹ و موشکهای نوع زمین به هوا از آنجمله‌اند.

واشنگتن تلاش دارد که پاکستان را به پایگاه نظامی و رژیم ضیاءالحق را به ژاندارم منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دموکراتیک افغانستان و کشورهای جبهه پایداری تبدیل کند. رهبری پکن نیز سعی دارد از پاکستان بمشابه متحد نظامی و تکیه‌گاه خود علیه هند و نیز اجرای نقشه‌های توسعه طلبانه خویش در جنوب شرقی آسیا استفاده کند.

تبدیل پاکستان از جانب امپریالیسم آمریکا و رهبری چین به پایگاه نظامی و ناوگان توطئه و تجاوز، منافع همه خلقها و کشورهای مستقل ملی این منطقه را مورد تهدید جدی قرار میدهد. بهین علت همه کشورهای مستقل ملی این منطقه و در درجه اول جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری موظفند که با گسترش روابط میان خود، برای ایجاد جبهه متحد ضد - امپریالیستی در برابر این خطر تدابیر مشخص و جدی اتخاذ کنند.

نه، این قافله را...

بقیه از صفحه ۱

روشنتر از خورشید را در عمل در نظر داشت. او این جمله را، که از گورکی آموخته بود، پیوسته تکرار می‌کرد: «زندگی باید هدفی بس عالی داشته باشد و عالیترین هدف، تلاش برای سعادت و خوشبختی انسانهاست». رفیق جهانگیر در میان شعله‌های انقلاب راه مبارزه را پیدا کرد. او در صفوف مبارزه خلق علیه استبداد و امپریالیسم، در همان سنگرهای مقدم، که بسا عشق به خلق و انقلاب می‌گذاخت، با جهان‌بینی طبقه کارگر آشنا شد و به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران پیوست. از این پس او در سنگر حزب توده‌ای ما، مدافع خستگی‌ناپذیر انقلاب شکوهمند مردم ایران بر رهبری امام خمینی بود. از همین رو، بدنبال تجاوز دژخیمان صدامی و انتشار «فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران» رفیق جهانگیر به جبهه شتافت. قشریون، قبل از سفر او بسوی شهادت، ۳۸ روز او را بیکنه به زندان انداختند. اما ایمان استوار رفیق جهانگیر، که در سنگر حزب توده ایران آبدیده شده بود، از این عمل غیرقانونی و غیراخلاقی خلل ندید. او به محض آزادی از زندان، برای دفاع از میهن و انقلاب به جبهه رفت.

رفیق شهید میدانست برای چه می‌جنگد. او در نامه‌ای از صف مقدم جبهه نوشت:

«هدف ما از جنگ، نه بخاطر ادامه جنگ در جهان است، بلکه هدف این جنگ، شکست جنگ است. ما خواهان جنگ نیستیم، بلکه خواهان از بین رفتن جبهه پایداری است».

قلم تاریخ میبرد.

سخنان یکی از اعضای «سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» در مراسم تشییع جنازه رفیق شهید جهانگیر خادم محمدی

در مراسم که به مناسبت شهادت رفیق جهانگیر خادم محمدی برپا شد، برادر رفیق شهید، جعفر خادم محمدی، که عضو «سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» است، درباره برادر شهید خود سخن گفت. او از جمله گفت:

«جهانگیر خواهان وحدت همه مردم علیه سرمایه‌داران بزرگ، آمریکا و دیگر همبستگانش بود. یاد می‌آید تصویری برایمان آورد که در آن مردم متحداً پرچم آمریکا را آتش می‌زدند. در آن تصویر نبودند گروهی که تنها خود را در آتش زدن سیم بداندند. در آن تصویر نبودند کسانی که به یکدیگر دشنام یا تهمت ببندند. در آن تصویر همه شادی میکردند و همیگونه همگی مرگ بر آمریکامیگفتند. می‌خواهم بگویم که جهانگیر شما را بدینگونه میخواست».

ارتفاعات الله اکبر...

بقیه از صفحه ۱

نزدیکی سوسنگرد را در تسخیر خود داشتند، ضربات مهلکی بر آنان وارد آوردند و این ارتفاعات را بازپس گرفتند. در این عملیات قهرمانانه و حماسه آمیز، پیش از سیصد مزدور

فعالیت‌های...

میدهند و به ایران میفرستند، که ماموریت این گروهها ترور و خرابکاری و تحریک و ایجاد اختلاف میان خلقهای ساکن در مناطق مختلف ایران است. اجرای عملیات تروریستی بعیده گروه ویژه‌ای واگذار شده که «سیاهای آمریکا و موساد برای این منظور تشکیل داده‌اند و در اسناد پناهمزی «پارسک پارسین» در تهران تبدیل کرده بود».

لبنان - قربانی توپخانه امپریالیسم

وصفیهونیسم



دانشتیمیهای در باره لبنان

نام:	جمهوری لبنان
مساحت:	۱۰۶۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت:	۳٫۳ میلیون نفر (۱۳۵۸)
ترکیب جمعیت:	۹۰٪ عرب (لبنانی و فلسطینی) ۱۰٪ از ملیتهای گوناگون
احزاب سیاسی:	حزب کمونیست لبنان حزب سوسیالیست ترقیخواه حزب اتحاد ملی حزب لبنانی فالانژ (کتابی) اتحاد مشروطه طلب حزب لیبرال ملی چندین گروه نزدیک به حزب سوسیالیست بعث عربی و ناصریست حزب پوزووانی ناسیونالیست ارمنه (دانشاکسیون)



طلبانه در داخل و خارج شد. در اردیبهشت ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) اعتصابات عمومی سیاسی برپا شد. چندی بعد روزنامه نگار لبنانی، "ن-متنی"، که با مواضع دولت شمعون در نزدیک شدن با کشورهای امپریالیستی به مخالفت برخاسته بود، به قتل رسید. به دنبال این حادثه و همچنین قصد شمعون برای وارد کردن اصلاحاتی در قانون اساسی مبنی بر حفظ موقعیت خود، اعتصاب عمومی اوج تازه ای گرفت. این اعتصاب در شمال لبنان به قیام مسلحانه بدل شد. کامیل شمعون از دولت آمریکا درخواست اعزام قوا به لبنان کرد. ولی دخالت آمریکا در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) نیز نتوانست رژیم شمعون را از موج خشم خلق نجات دهد و او مجبور به استعفا شد.

در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) ژنرال فواد شهاب به ریاست جمهوری انتخاب شد و تا سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) این سمت را حفظ کرد. دولت جدید به ریاست رشید کرامی اعلام کرد که خود را متعهد به "دکترین آیزنهاور" نمی داند و از سیاست بی طرفانه و مبتنی بر عدم تعهد پشتیبانی می کند. اقدامات که تحت فشار جنبش گسترده خلق انجام می - گرفت، از جمله شامل قدم هائیی در تقویت اقتصاد ملی و برخی اصلاحات اجتماعی درباره تامین حق بیمه و درمان باقیمت های کمتر برای اعضای اتحادیه ها بود. همچنین دولت رشید کرامی پشتیبانی کامل خود را از مصر (زمان ناصر) و کشورهای دیگر عرب که قربانی تهاجم خرداد ۱۳۴۶ (ژوئن ۱۹۶۷) اسرائیل بودند، اعلام کرد. لبنان از قطنامه آذر ۱۳۴۴ (۲۲ نوامبر ۱۹۶۷) شورای امنیت جهت یافتن راه حل سیاسی برای بحران خاور - میانه نیز پشتیبانی کرد. جنبش مقاومت فلسطین و سازمان های وابسته به آن از سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) در خاک لبنان

به نخله نوازی نظامی خود از این کشور شد.

سلطه استعمار جدید در لبنان

احراز استقلال سیاسی به معنای کسب استقلال اقتصادی نبود. با اینکه پس از کسب استقلال سیاسی تعدادی از بانک ها و موسسات بزرگ متعلق به سرمایه داران ملی شدند و دولت توانست با پرداخت عرامت، گروهی از موسسات خارجی را به تعلق خلق در آورده، لکن هنوز اکثریت بزرگ کشاورزی بر اقتصاد کشور حاکم بود. در تعدادی از مناطق قریب به زمین های زیر کشت در دست کلیساهاقی ماند و حدود ۷۵٪ از دهقانان کشور صاحب هیچ زمینی نبودند. انحصارات خارجی همچنان بر اقتصاد کشور مسلط بودند و فوندا آمریکا و به افزایش بود. اتحاد سرمایه داران وابسته و ملاکین بزرگ، که توسط امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، پشتیبانی و تقویت می شد، کشور را این بار به شکلی جدید مستعمر خود تبدیل کرده بود. در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) دولت لبنان، با امضا عهدنامه ای با ایالات متحده آمریکا، به این کشور امکان داد، تا از طریق لبنان یک خط لوله نفت از خاک لبنان بگذراند. در سال های ۱۳۴۰ - ۱۳۳۰ (۱۹۶۱ - ۱۹۵۱) در ادامه همین سیاست، دولت لبنان از طریق پذیرش "اصل ۴ ترومن"، از آمریکا کمک دریافت کرد.

اعاز حاکمیت و محورهای لبنان، که خواستار استقلال نه تنها در بعد سیاسی، بلکه در تمامی ابعاد اجتماعی و اقتصادی، نظامی و فرهنگی بودند، در مقابل این سیاست جدید مقاومت برداشتند و دست به اعتراض زدند. زحمتکشان با قاطعیت خواست خود را یعنی برپه بردن شرایط زندگی، اتحاد سیاست خارجی ملی و استقلال طلبانه، اعلام کردند. در این موج اعتراضی زحمتکشان، حزب کمونیست لبنان نقش فعال و چشمگیری داشت. براساس نقش این حزب و گروشن هم جهانیه "فدراسیون ملی اتحادیه های کارگران صنعتی و اداری لبنان"، که در سال ۱۳۲۲ (۱۹۴۳) تشکیل شده بود، در سال ۱۳۲۵ (۱۹۴۶) قانون ۸ ساعت کار روزانه اعلام شد. دولت لبنان در اثر این مقاومت و اعتراض هم جهانیه و تحت فشار جنبش خلق ناچار به رد پیشنهاد دول امپریالیستی برای شرکت در میزبان های نظامی شد. این عقب نشینی ها در مقابل خواست خلق، نه تنها باعث تخفیف تضادهای اجتماعی نشد، بلکه برعکس تشدید آن ها را در پی داشت. به این شرایط، نوظده های نیروهای مترجم و کشورهای امپریالیستی و جنگ قدرت میان جناح های حاکم بر کشور رانز باید افزود. مجموعه این شرایط بود که باعث شد دولت های حاکم بر کشور، به سار متزلزل شوند، بطوریکه در عرض مدت ۳ سال (۱۳۵۲ - ۱۳۲۲) سراسر با ۱۹۷۳ - ۱۹۴۳) بیش از ۴۰ کابینه در لبنان روی کار آمد.

شرکت لبنان در جنگ اعراب و اسرائیل

در سال ۲۸ - ۱۳۲۷ (۱۳۲۷ - ۴۹ - ۱۹۴۸) لبنان در جنگ اعراب و اسرائیل شرکت کرد و به همراه دیگر کشورهای عربی، پیمان ترک مخاصم با اسرائیل را در ۳ فروردین ۱۳۲۸ (۲۳ مارس

در هفته های اخیر، لبنان بار دیگر صحنه دسیسه های گسترده و خونین امپریالیسم آمریکا، صهیونیست های اسرائیل و جدائی طلبان لبنانی دست نشانده آنها شده است. برای اطلاع خوانندگان گرامی "نامه مردم" از این شماره انتشار یک رشته مقالات را درباره "مسئله لبنان" و ریشه های تاریخی آن آغاز میکند.

در پاییز ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) و تا بهستان ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) مقاومت خلق لبنان به صورت جنگ همه جانبه علیه اشغالگران فرانسوی در آمد. در همان موقع جنبش توده های عظیمی برای تحریم امتیازات خاص انحصارات خارجی سراسر کشور را فرار گرفت. اهمیت این جنبش در آنجا بود که اقتصاد لبنان در این سالها تابعی از منافع سرمایه انحصاری فرانسوی بشمار می رفت. همزمان با این جنبش توده های، اعتراضات گسترده کارگری نیز لبنان را فراگرفت. در سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) به ابتکار کمونیست های لبنان "کمیته های جنبه متحد" تشکیل شد. بار شد جنبش آزادی بخش ملی در لبنان دولت فرانسه در ۱۳۱۵ (نوامبر ۱۹۳۶) عهدنامه ای را امضا کرد که طبق آن، برای مدت سه سال، به لبنان استقلال داده می شد، استقلال کلی که با حفظ حقوق فرانسویان همراه بود. اما همین عهد - نامه نیز با روی کار آمدن محافظان رجاعی فرانسه در سال ۱۳۱۷ (۱۹۳۸) منسوخ شد.

غیر قانونی شدن حزب کمونیست لبنان

در آغاز جنگ جهانی دوم با اعلام حکومت نظامی در لبنان، پارلمان این کشور منحل شد و حزب کمونیست لبنان نیز غیر قانونی اعلام گردید. با شکست فرانسه توسط آلمان نازی، لبنان تحت کنترل کمیسیون متار که جنگ ایتالیا و آلمان قرار گرفت. نیروهای فاشیست از خاک لبنان برای تدارک عملیات نظامی خود در خاور میانه استفاده می - کردند. در این میان تحریم اقتصادی لبنان توسط بریتانیا اوضاع اقتصادی لبنان را وخیم تر کرد.

در تابستان ۱۳۲۰ (ژوئن ۱۹۴۱) نیروهای آزاد فرانسه و بریتانیا وارد سوریه و لبنان شدند. ژنرال کاترو، فرمانده کل قوای نظامی فرانسه، در مقابل جنبش عظیم آزادیخواهان لبنان تسلیم شد و در ۶ نوامبر ۱۹۴۱ (۶ نوامبر ۱۹۴۱) استقلال این کشور بر رسمیت شناخته شد. اول آذر ۱۳۲۲ (۲۲ نوامبر ۱۹۴۳) روز استقلال لبنان، با تعطیل عمومی در لبنان توأم شد. پارلمان نیز قوانینی را، که به قیومت خارجی بسراکمیست لبنان مربوط می شد و در قانون اساسی کشور گنجانده شده بود، منسوخ اعلام کرد. اما امپریالیسم فرانسه نمی خواست و با بهتراست گفته شود، نمی توانست استقلال لبنان را تحمل کند. در پایان جنگ دوم، سلطه یووان فرانسوی سعی کردند لبنان را اشغال نظامی کنند. این اقدام با اعمال فشار بر دولت

لبنان برای بستن عهدنامه ای مبنی بر تعهد حفظ موقعیت استراتژیک و اقتصادی فرانسه در این کشور توأم شد. دولت لبنان از بستن چنین عهدنامه ای امتناع کرد. جنبش مقاومت لبنان، همراه با اعتصابات عمومی، سراسر کشور را فرا - گرفت. اتحاد شوروی نیز حمایت قاطعانه خود را از مبارزات مردم لبنان علیه قوای اشغالگر فرانسه اعلام کرد. در سال ۱۳۲۴ (۱۹۴۵) موافقت نامه حضور قوای اشغالگر در خاک لبنان، که توسط بریتانیا و فرانسه امضا شده بود، در شورای امنیت بررسی شد. در اثر حمایت اتحاد شوروی، لهستان و مصر (زمان ناصر) از استقلال لبنان، فرانسه مجبور

دو قرن سلطه استعماری در لبنان

نگاهی به تاریخ کشور لبنان نشان میدهد که این کشور، از همان سالی که توسط یک کمیسیون بین المللی، با شرکت نمایندگان دول فرانسه، بریتانیا، اتریش، پروسی و روسیه، که قانون اساسی این کشور را تصویب کردند، به این نام خوانده شد، یعنی از سال ۱۲۴۰ (۱۸۶۱) تا ۱۳۲۴ (۱۹۴۵) که توانست به استقلال سیاسی دست یابد، همواره در زیر سلطه استعمار فرانسه و بریتانیا قرار داشت. در واقع اگر بخواهیم دقیق تر به مسئله نگاه کنیم، باید تاریخ سلطه دولت های استعماری بر این منطقه را از سال ۱۸۹۵ (۱۵۱۶ میلادی) مورد بررسی قرار دهیم. در این سال لبنان تبدیل به مستعمره امپراطوری عثمانی شد. مبارزه مردم این کشور برای کسب استقلال آزادی با عثمانی ها، ۳۰ سال بطول انجامید. در طی این مبارزات مردم گاه به پیروزی هایی دست می - یافتند. از جمله این پیروزی ها، اعطای خود مختاری نسبی از سوی دولت عثمانی بود، که خود از تشدید مداخلات دول بریتانیا و فرانسه در این کشور بهر جهت افتاده بود. این خود مختاری شامل تقسیم لبنان به دو ناحیه بود: یکی ناحیه دروزیه و دیگری ناحیه مارونیه و ولی علی رغم چنین امتیازات کوچکی، مبارزه خلق لبنان علیه سلطه کران عثمانی ادامه یافت. تشدید اقدام های دهقانان در کشور به باعث شد دولت عثمانی، که خود با بریتانیا و فرانسه که خواهان سلطه خود بر لبنان بودند - درگیری داشت. روز به روز بیشتر تضعیف شد. سرانجام در سال ۱۲۴۱ (۱۸۶۱) دولت عثمانی مجبور به تخلیه قوای خود از این کشور شد. اما خروج قوای عثمانی از این کشور، پایان استیلا استعمارگران نبود. در واقع خروج دولت عثمانی از لبنان، به معنی انتقال سلطه خود به دول استعمارگر اروپای غربی بود. از اوایل قرن بیستم لبنان توسط نیروهای فرانسوی و بریتانیایی اداره می شد. در سال ۱۲۹۹ (سپتامبر ۱۹۲۰) مقامات فرانسوی ایجاد دولت بزرگ لبنان را، که در سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) با تصویب قانون اساسی به جمهوری تبدیل شد، اعلام کردند.

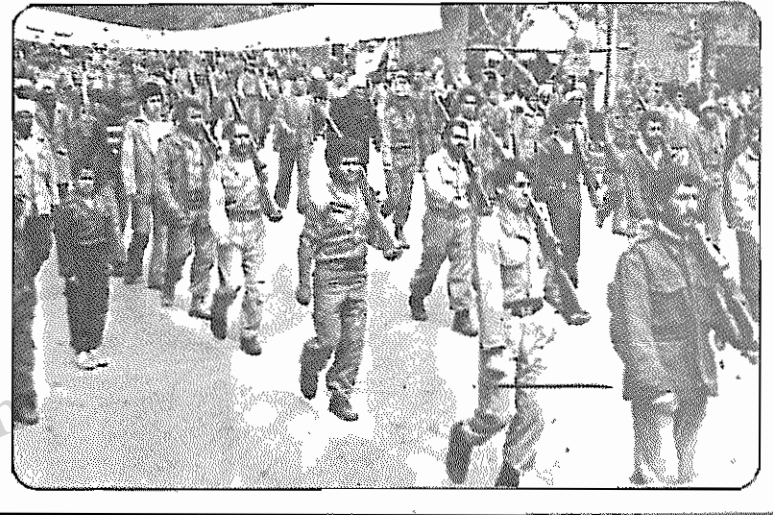
موج نوین مقاومت در برابر استعمارگران

مقاومت و مبارزه خلق لبنان برای کسب استقلال با تاریخ پیری از انقلاب ۱۲۸۶ - ۱۲۸۴ (۱۹۰۷ - ۱۹۰۵) روسیه و انقلاب ۱۲۸۷ (۱۹۰۸) "ترک های جوان" ترکیه، ایجاد گسترده تری یافت و در سال ۱۲۹۱ (۱۹۱۲) بر پایه اتحاد گروه های ملی "اتحاد اصلاحات" پایه گذاری شد. با گذشت زمان، بیروت به مرکز جنبش رها گیبخشی عرب تبدیل گشت. در سال ۱۳۰۳ (۱۹۲۴)، شورش دهقانی عظیمی در دره "بطاع" بوقوع پیوست. در همان سال کمونیست های لبنان و سوریه، "حزب کمونیست لبنان - سوریه" را پایه گذارند. این همبستگی با حمایت ترقیخواهان لبنان از مبارزات ضدامپریالیستی سال های ۱۳۰۶ - ۱۳۰۴ (۱۹۲۷ - ۲۷) سوریه، ایجاد بازم گسترده تری یافت.

دوره اسم راهپیمائی اول ماه مه در مشهد



یازدهم اردیبهشت امسال، در مشهد راهپیمائی باشکوهی توسط کارگران و زحمتکشان واقشار مختلف مردم، به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه، برگزار گردید. پلاکاردهائی به امضاء شوراهای اسلامی کارخانه ها، شرکتها و مراکز تولیدی زبردیده میشد: شرکت تیم، کارخانه سیم، نخ - ریسی، شرکت ملی گاز خراسان و مازندران، قدس رضوی، راه آهن، بوساز، ایرفرش، سندیکای صنایع غذایی، سندیکای راه و ساختمان، شرکت مزم، شرکت آجر، ماشین بهسج و چین چین، برق منطقه و...



کارگران کمیوت سازی های خراسان (مشهد):

در راه تثبیت و تعمیق دستاوردهای انقلاب، برهبری امام خمینی به پیش!

- ۱- لغو ماده ۳۳ قانون کار ارتیه شوم رژیم مزدور و جنایتکار پهلوی،
- ۲- پرداخت حداقل دستمزد و مزایای قانونی از قبیل: الف- ۴۴ ساعت کار در هفته (پرداخت ۳۵٪ اضافه دستمزد در صورت اضافه کاری)، ب- بیمه کارگران شاغل، ج- استفاده از تعطیلات رسمی کارگری با حقوق، د- تعلق گرفتن سایر مزایای قانونی (حق مسکن، خواربار، اولاد، بازنشستگی، پاداش، عیدی، حق بهره‌وری، مرخصی سالانه، مرخصی دوران بارداری برای زنان)
- ۳- تامین بهداشت و ایمنی در کارخانه،
- ۴- جلوگیری از کارافراد زیر ۱۴ سال و کارگران خارجی،
- ۵- طرح طبقه بندی مشاغل.

بمناسبت روز کارگر از سوی سندیکای کارگران صنایع غذایی خراسان اطلاعیه ای منتشر شد. در این اطلاعیه از جمله آمده است: ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران جهان را در شرایطی برگزاری می کنیم که شیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا و وابستگان ضدانقلاب داخلی اش هر روز توطئه های جدید برای نابودی انقلاب و تدارک می بینند. ما کارگران، ضمن اعلام حمایت از دستاوردهای انقلاب و مبارزه در راه تثبیت و تعمیق انقلابمان به رهبری امام خمینی این روز بزرگ را به همه کارگران و زحمتکشان شادباش می گوئیم. کارگران بحق از انقلاب امید دارند که اقدامات قاطعانه در جهت بهبود شرایط زندگی شان انجام گیرد. بر این اساس، ما کارگران کارخانجات کمیوت سازی مشهد، خواست های خود را شرح زیر اعلام می داریم:

باز راه انداختن «کارخانه لوله سازی نوکار» مشکل کمبود آب بندر عباس را حل کنید!

درسال ۱۳۵۰ برای تامین آب بندر عباس، پروژه آب رسانی میناب- بندرعباس مورد بررسی قرار گرفت و تصمیم گرفته شد که سدی بر روی رودخانه میناب احداث شود، تا آب ذخیره شده، پس از مشروب کردن اراضی اطراف سد و میناب، جهت تامین آب بندرعباس به آن شهر انتقال یابد. برای انتقال آب مورد نیاز، که در شانروز بالغ بر ۸۶۰۰ متر مکعب میشود، بایستی از لوله هایی به قطر تقریبی یک متر و بیست و پنج سانتی متر و بطول تقریبی ۹۰ کیلومتر استفاده می- شد. برای این منظور کارخانه لوله سازی بتونی که در سال ۳۹-۴۰ در تهران ایجاد شده بود و قبلاً لوله های آب تهران، اصفهان، تبریز و کرج را ساخته بود، به بندرعباس انتقال داده شد. سپس پروژه آب رسانی میناب - بندر عباس به مناقصه گذارده شد و " شرکت نوکار" در این مناقصه برنده شد. قرار شد که شرکت نوکار عهده دار ساخت و نصب لوله های بتونی، به قطر یک متر و بیست و پنج سانتی متر، از میناب تا بندر عباس، از قرار هر متر حدود دوازده هزار ریال شود. کارفرما (سازمان آب و برق هرزگان) کارخانه را برای ساخت لوله های مورد نیاز در اختیار پیمانکار قرار داد، با این شرط که ۱۰٪ قیمت لوله بابت کرایه کارخانه و استهلاک آن، از قیمت ساخت لوله و نصب آن کسر و به کارفرما پرداخت شود.

کارخانه در اوایل سال ۱۳۵۳ در بندرعباس نصب و بهره برداری از آن آغاز شد. این کارخانه روزانه حدود ۱۲ تا ۱۵ لوله تولید می کرد و تا سال ۱۳۵۷ حدود شصت کیلومتر لوله مورد نیاز ساخته شد و حدود ده کیلومتر آن نیز نصب شد. طی سالهای ۵۳ تا ۵۷ چندین بار پیمانکار تقاضای افزایش قیمت کرد و چندین بار هم کارخانه تعطیل شد، که با گرفتن وام دوباره به کار خود ادامه داد.

در جریان انقلاب کارخانه تعطیل شد و پس از یکسال مجدداً پیمانکار بنابه درخواست کارفرما کار خود را از سر گرفت، ولی چون عملاً پیشرفتی در کار حاصل نمی شد، از پیمانکار (شرکت نوکار) خلع ید و مجدداً کارخانه تعطیل شد. از دلایل عدم پیشرفت کار میتوان از عدم مدیریت صحیح کارفرما، پیمانکار و دستگاه نظارت نام برد، بخصوص که بررسی های دقیق و کافی در مورد مسیر لوله گذاری صورت نگرفته بود. این موضوع بویژه در مورد لوله گذاری در قسمتی از مسیر، که لجن زار و باطلاتی است، آشکالاتی فراهم کرده است. ناگفته نماند که قسمتی از کارگاه های کارخانه، چون شن و ماسه، ورق آهن، سیمان، بیخ سازی و غیره مشغول کار بودند. در ضمن از این کارخانه میتوان جهت ساختن برخی از قطعات پیش ساخته چون تیر بتونی برق، جدول سازی، مخزن سازی و غیره استفاده کرد. همچنین کارخانه برای ساختمان فاضل-

غلام الماسی کارگر شیروانی کسب، روز پنجم فروردین ماه امسال، در اثر عدم استفاده از کمربند ایمنی و طناب نجات حین کار از ارتفاع سقوط کرد و جان سپرد. این کارگر در استخدام پیمانکار شرکت رادیاتور سازی ایران، وابسته به گروه صنعتی رنا بود. طبق قرارداد مسئولیت اتفاقات احتمالی و بیمه کارگران با پیمانکار بوده است. گفتنی است که این حادثه تا سه باروتگان دهنده، که در نوع خود متأسفانه نداشتند و نه کم نظیر، در اثر بی- توجهی کارفرما به ضوابط روشن و صریح قانونی، بوقوع پیوسته است. ماده ۶۴ آیین نامه حفاظت و بهداشت عمومی در کارگاهها، کارفرما را موظف به تامین و آموزش وسایل ایمنی نظیر کمربند ایمنی و طناب نجات (می کند).

در کارخانه مواد غذایی بارلسی (جاده مخصوص کرج)، کارگری بنام نبی اللہ ایمنی، روز هجدهم فروردین امسال، در اثر حادثه ناشی از کار جان سپرد.

در محوطه کارخانه، دستگاه کمپرسوری، که فاقد سوپاپ اتوماتیک بوده و مقررات مربوط به ساخت دستگاه های تحت فشار در آن رعایت نشده، در لحظه حادثه حین کار، مخزن آن منفجر شد و در اثر برخورد صدمه جدا شده کمپرسور با کارگر مذکور، دست راست او از ناحیه کتف قطع و ججمه او خرد شد و دردم فوت کرد.

علت بروز این حادثه، مقاومت کم مخزن در برابر فشارهای داخلی بوده و حتی سوپاپ اطمینان خودکار نیز ایمن نبوده است. به این جهت کارفرما از بابت خرید دستگاه نامطمئن و به کار انداختن آن، مستقیماً مسؤل مرگ کارگر است. کارگری دیگر نیز در همین زمان (فروردین ۶۰) در کارگاه ساختمانی شرکت سرا (مهرآباد تهران)، در اثر اصابت یک صفحه (پلیت فلزی)، که از بالای ساختمان پرت شده بود، حین کار در طبقه ششم درگذشت.

قبل از انجام اجرای تیر ریزی در ساختمان، مقداری صفحه فلزی بعد از اتمام کار آهنگری بالای تیر ریزی مانده و در لحظه حادثه، در اثر ضربه، به پائین پرتاب شده اند، که در نتیجه تیمور (کارگر مذکور) بقتل می رسد. تا اینجا تنها سخن از غفلت، سهل انگاری و بی توجهی به سلامت، ایمنی و جان کارگران است. مسئله بر سر جدی نگرفتن ایمنی کار در واحد های

آب بندرعباس دارای امکانات زیادی است. در کارخانه لوله سازی حدود ۵۲۰ نفر کار می کردند، که به شدیدترین وضعی از طرف پیمانکار استشفار می شدند. در زمان حکومت رژیم سابق، کارگران کارخانه چندین بار بخاطر دست یابی به حقوق قانونی خود، از جمله اضافه دستمزد، داشتن بیخ و... اعتراض و حتی اعتصاب کردند. آنها یکبار بخاطر دریافت اضافه دستمزد به مدت پانزده

بررسی هانظر مدیریت را تأیید نکرد و کارگزار خراج شده توانست از وزارت کار حکم بازگشت به کار بگیرد. اما مدیریت از پذیرش او خودداری ورزید. این عمل باعث ناراحتی و نارضایتی کارگران شد و مسؤل کارخانه با مشاهده این وضع، برای جلوگیری از ایجاد اشکال احتمالی در محصولات دارویی، قسمت تولید را تعطیل کرد.

بر مسؤلین امر است که به مسئله فوق رسیدگی کنند، تا روشن شود که به چه علت مدیریت کارخانه از پذیرفتن

جان دادن در کار

دست نابکار سوانح همچنان پیکر کارگران را به قربانی میگیرد

پس تنها با کمک انجمن های صنفی و سندیکائی کارگران و زحمتکشان می توان انجام گسیختگی های کارفرمایان را مهار کرد.

گونگون است و این خود بی قانونی است و شایسته توجه، پیگیری و روشن ساختن علل و عوارض، بطوری که سمت حرکت بازرسان کار، مطابق برنامه جامع وزارت کار، در این راستا سپر کند که دیگر هیچ کارفرمایی بخود این جسارت غیر انسانی راندهد که جان انسان هارا بیازی گیرد. و در این زمینه باید تکرار کرد که فقط باید از خود کارگران مدد گرفت، کارگران باید آموزش ببینند، باید به ضرورت رعایت موازین ایمنی و استفاده از تجهیزات و لوازم ضرور ایمنی آگاهی حاصل کنند، و مهم تر از همه، باید کارفرمایان را ملزم و مجبور به رعایت شرایط قانونی کار، از جمله تامین وسایل ایمنی کنند، و این وظیفه ایست که کارگران تنها در صورتی به انجام آن توانا خواهند بود که مسئولیت باشند، اتحادیه ها و انجمن های صنفی و سندیکایی خود را تشکیل دهند.

چه کسی می تواند از بروز حوادثی که همه ساله صدها، بلکه هزاران نفر از هم میهنان زحمتکش ما را بگام مرگبار خود می کشد، جلوگیری کند؟ یا کارفرمایان، تا کنون کمترین احساس مسئولیتی از خود نشان داده اند؟ در نمونه ای که بر شمرده ایم (شرکت سرا، که کارفرمای آن سازمان مسکن است)، کارفرما - مسکن - حتی مرگ کارگر را به زاندار می یا داد سرا اطلاع نمی دهد، جسارانه پزشک قانونی منتقل می کند، برای جسد با تشخیص شکستگی جمجمه، جواز دفن صادر می- شود! همین ویس!

تکان دهنده است، اما به کفایت گویا و راست است. برخورد کارفرمایان که خود گناهکار اصلی سوانح کارند چنین است که بکوشند از مجازات خطای خود بگریزند و تنها چیزی که کمترین جایی در ذهن آنان ندارد و نمی تواند داشته باشد، ارزش کار و سلامت کارگران است. پس دولت، مسئولین وزارت کار و شورای عالی حفاظت بهداشت باید اجازه بازی کردن با جان کارگران را به کارفرمایان ندهند. مسلم است که در این مقال هم، با ضرورت تشکل کارگران در اتحادیه ها و انجمن های صنفی و سندیکایی مواجه می- شویم. بدون کمک سندیکاهای تشکل های واقعی زحمتکشان، امکان مهار کردن انجام گسیختگی های کارفرمایان نیست. به این ترتیب، از این نظر هم وزارت کار باید به تجمه ها سازمان های صنفی و سندیکایی کارگران پیروبال دهد و کارگران خود باید با تقویت وحدت و همبستگی خویش در این سندیکاهای مجال سوء استفاده به کارفرماندهند.

روز دست از کار کشیدند. اغلب کارگران کارخانه اهل "نو" هستند که، پس از تعطیل شدن کارخانه، بیکار شده اند. با توجه به کمبود آب در بندرعباس که مشکلات زیادی برای اهالی شهر به وجود آورده است، به کار افتادن کارخانه در کمترین مدت حل کند و از سوی دیگر از سوء استفاده عناصر ضد انقلاب از این مسئله جلوگیری بعمل آورد.

کارگران «شیمیکو فارما» خواهان بازگشت نماینده خود به کارخانه هستند!

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری، توطئه ضد انقلاب است

کارگری که مقرر نبودن او به اثبات رسیده و از طرف وزارت کار هم حکم بازگشت به کار دارد، سر باز می زند. از طرف دیگر، این واقعه، نشان می دهد که چه کسانی باز مینه سازی قبلی می کوشند کارگران را تحریک کنند، به تشنج دادن زندو زمینه تعطیل واحد های تولیدی را فراهم آورند و جبهه تولید را تضعیف کنند. جلوگیری از چنین خرابکاری هایی بیش از هر چیز عوام فریبی دشمنان انقلاب و منحرفین و چپ نماها را نیز خنثی خواهد کرد.

دهقانان زحمتکش امیدوارند که بزودی مسئله زمین حل شود

ویژه استان آذربایجان غربی

شرط ضرور و اولیه، حل مسئله زمین است.

اکثر دهقانان استان آذربایجان غربی کم زمین هستند، و اولین مطلقای که در پیش روی قرار دارد، روشن کردن تکلیف بند "ج" و "د" و اعلام اجرای قطعی و فوری قانون اصلاحات ارضی است، که خوشبختانه امید می رود هرچه زودتر عملی شود.

نهادهای انقلابی، از جمله جهاد سازندگی، در روستاهای این استان بسیار فعالند، این گفته یکی از دهقانان "کوسه آباد" که: "ما ز جهاد ارضی هستیم و راه ما را شن ریزی کرده است"، نشان خوب حسنی فعالیت این نهادهای انقلابی است.

روستائیان استان آذربایجان غربی سابقه مبارزاتی طولانی علیه رژیم طاغوت دارند. اکنون هم تا آنجا که از دستشان برمی آید، به آنها گوناگون به جبهه باری می رسانند.

پس بیکار دیگر نگفته های "لطفعلی" نظریان داریم، به خواست های او و دیگر دهقانان بیشتر بیاندیشیم، و ره نمود امام خمینی را، که باید به مسائل روستائیان رسیدگی کرد، از یاد نبریم، زیرا تحکیم انقلاب و شکست ناپذیری آن، از جمله، با حمایت دائمی و بی خلل دهقانان زحمتکش پیوند مستقیم دارد.

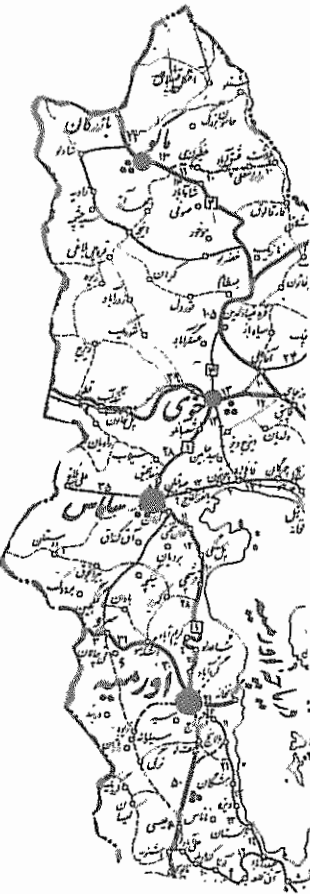
سخن از استان آذربایجان غربی، این را در گام دلوران و قهرمانان این سرزمین رنج دیده از ستم‌ناهی و ستم کشیده از حوراریان است.

در انقلاب کمبود و نارسایی می شود. ماهه اینها را به این دلیل تحمل می کنیم که بعد از برطرف کردن این نارسایی ها، به درد ما برسند.

این گفته "لطفعلی"، یکی از دهقانان روستای عربلوکان این استان است.

آگاهی و درک سیاسی این دهقان مبارز سواد مند است. او تمام این نارسایی ها و مشکلات را متحمل می شود، برای آنکه انقلاب سهمیش برود و دستاوردهای انقلاب به سود مردم حوراریان تثبیت شود. انقلابی که این دهقانان مبارز و دیگر دهقانان هم رزمی، سال ها در راه آن کوشش و مبارزه کرده اند.

در باره وضع کلی روستاهای واقع در استان آذربایجان غربی همین بس که اراضی کشاورزی روستاهای این استان بسیار وسیع اند و اگر امکانات کافی در این جهت تسبیح شود، می توانند در جهت اعتلا اقتصاد کشاورزی کشور بسیار موثر باشند و به استقلال اقتصادی کشور و تحکیم انقلاب باری رسانند.



دهقانان روستای تبت:

آمریکامیهن ما را چابید، حالا ما باید به میهن خدمت کنیم

آن‌ها می آیند، همکاری کنند. اهالی روستای تبت آماده اند تا راهی جبهه ها شوند و علیه رژیم صدام خائن بیکار کنند.

یکی از دهقانان می گوید: "من کلا ۱/۵ طناب باغ انگور و زمین دارم ۱۸۰ سال است که دارم در این تیکه چون می‌کنم... هرچه داشتم گذاشتم بالای این زمین. الان من ۵۰ سال است که زحمت می‌کشم، با اینکه پیرم. عزیزم، آمریکا کشور ما را چابید و دهات ما را ویران کرد. حالا ما باید به میهن خدمت کنیم و قدر آقایی خمینی را بدانیم.

اگر گره اصلی کار دهقانان، یعنی اجرای بند "ج" و "د" و کل قانون اصلاحات ارضی هرچه زودتر باز شود، آن وقت است که دهقانان زحمتکش می‌توانند برای بارور کردن هر چه بیشتر اقتصاد کشاورزی کشور و پایدار نگه داشتن انقلاب، از جان مایه بگذارند.

واضح است که دست‌خالی نمی‌شود زمین‌ها را کاشت و بارور کرد. باید کلیه امکانات تولید و معیشتی و وسایل کار و زندگی را در اختیار دهقانان گذاشت، تا سهم خود را به طور شایسته ادا کنند.

مشکلات و خواست‌های اهالی روستای تبت به علت سیاست صد دهقانی رژیم سابق، بسیار است. روستای تبت از محل باراندوز چای، در ۶ کیلومتری امامزاده و ۱۶ کیلومتری ارومیه واقع است. جمعیت روستا ۱۳ خانوار (۳۰۵ نفر) است. اکثر اهالی به کار کشاورزی اشتغال دارند و در کنار آن به پرورش دام و طیور می‌پردازند. علاوه بر آن، عده‌ای از زحمتکشان روستا با خشک شدن آب دریاچه ارومیه، نمک حاصل از آن را برای فروش به شهر می‌برند.

در این روستا اکثر اهالی کم زمین هستند و در حدود ۲ خانوار هم بی-زمین هستند. اهالی نیاز فراوانی به وام، بذر، مواد دفع آفات، کود شیمیایی و ماشین‌آلات کشاورزی دارند. این روستا فاقد آب لوله کشی، برق، درمانگاه و حمام است. در این روستا یک مدرسه ۵ کلاسه ابتدایی دایر است و دانش‌آموزان کلاس‌های بالاتر به روستای امامزاده می‌روند. در روستا فقط ۲ تراکتور برای کار کشاورزی وجود دارد.

مردم معتقدند که برای رفع همه مشکلات حاضرند با جهاد سازندگی و سایر نهادهای انقلابی، که به روستای

به خواستهای روستائیان کوسه‌آباد رسیدگی کنید

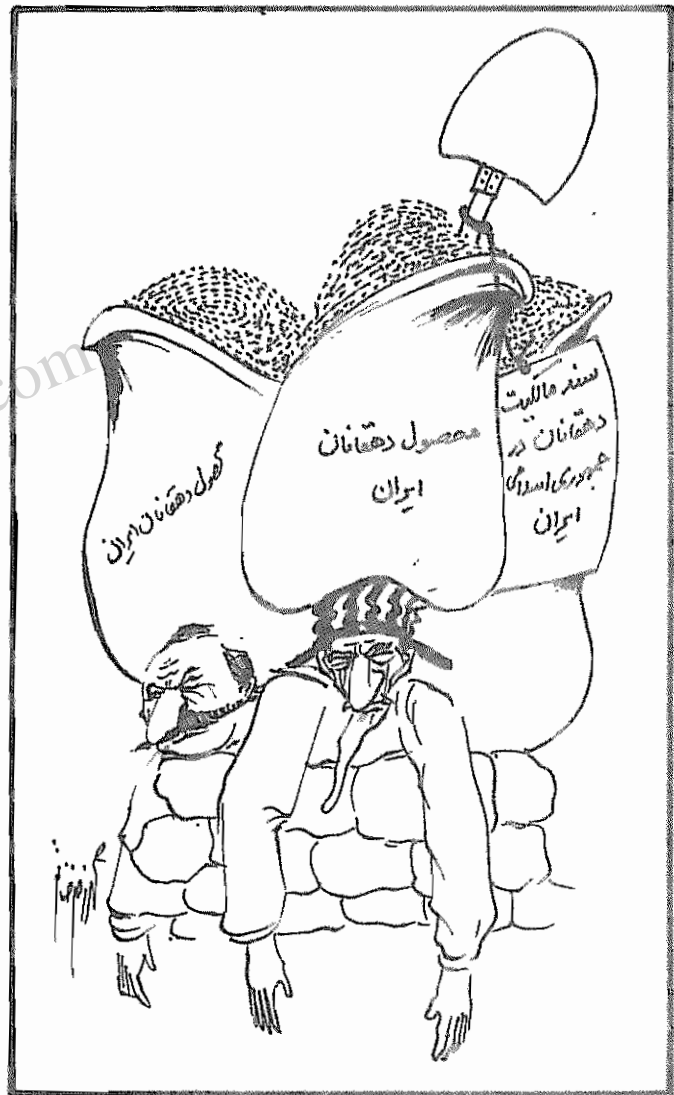
راهنمایی درست کند، چون ما مدرسه نداریم.

اهالی این روستا عضو شرکت تعاونی قره‌آغاچ هستند. روستائیان کوسه‌آباد نامه‌ای به اداره کشاورزی برای دریافت روغن موتور و گازوئیل نوشته‌اند، که هنوز جوابی نشنیده‌اند. مسئله سوخت و روغن موتور در بسیاری از دهات به یکی از حادثترین مسائل بدل شده است. خوشبختانه تصمیماتی در این جهت گرفته شده، ولی با در نظر گرفتن اهمیت مسئله و حیاتی بودن آن در بسیاری مناطق، لازم است که توجه دائمی و جدی به این مسئله مبذول داشت و برای آن راه حل‌های عملی و فوری اندیشید.

روستای کوسه‌آباد یکی از روستاهای محل باراندوز چای، در ۱۸ کیلومتری شهرستان ارومیه قرار دارد. در این روستا حدود ۴ خانوار و جمعا ۲۰۰ نفر زندگی می‌کنند. اکثر دهقانان خرده مالکند و فقط ۶ خانوار دهقان بی‌زمین در این روستا وجود دارد. روستا فاقد برق، آب زراعی کافی، آب لوله‌کشی، حمام، بهداشت و دیگر نیازهای اولیه زندگی است.

یکی از روستائیان در زمینه مشکلات موجود می‌گفت:

"چند ماه است که در ادارات سرگردان هستیم، ولی نتوانستیم کود و پروانه چاه بگیریم. ما ز جهاد ارضی هستیم و راه ما را شن ریزی کرده است، از جهاد می‌خواهیم برای مایک مدرسه



یک دهقان روستای عربلوکان:

«ما همه اینها (نارسایی‌ها و جنگ) را تحمل می‌کنیم، که بعداً به دردمان برسند»

عزت صدر، یکی از اهالی روستا، از جهاد سازندگی، شن ریزی جاده و کود شیمیایی است. آب آشامیدنی نیز یکی از نیازهای فوری اهالی است.

بسیچ نظامی به این روستا آمده و بمدت یک هفته به روستائیان آموزش داده است.

یکی از اهالی درباره مشکلات و مسائل کنونی و عواقب جنگ، توضیح داد:

"آقا، در انقلاب کمبود و نارسایی می‌شود. ما همه اینها را به این دلیل تحمل می‌کنیم که بعد از برطرف کردن این نارسایی‌ها، به درد ما برسند."

روستای عربلوکان با ۴۵ خانوار جمعیت (۴۰۰-۳۶۰ نفر) از توابع محل نازلوچای، در ۸ کیلومتری ارومیه قرار دارد. اکثر دهقانان روستا کم زمین و در حدود ۵-۴ خانواری زمین هستند.

یک اتاق برای درس خواندن دانش-آموزان روستایی در نظر گرفته شده است و فقط تا کلاس چهارم تدریس می‌کنند. دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل به ده عسگرآباد، که در یک کیلومتری است، می‌روند. در این روستا شرکت تعاونی وجود ندارد و اهالی عضو شرکت تعاونی عسگرآباد هستند. جهاد سازندگی هنوز به روستا نیامده است. درخواست

بزرگ‌مالک زورگو اراضی دهقانان روستای تالون را غصب کرد و دهقانان را از روستا بیرون راند

زمیندار بزرگ روستای تالون، بعد از انقلاب زمین‌های دهقانان را گرفت و آن‌ها را از ده بیرون کرد، به طوری که از ۷۰ خانوار ساکن این روستا، فقط ۱۵ خانوار باقی مانده‌اند.

این روستا از محل ترگور در شمال غربی ارومیه و در ۳۰ کیلومتری آن واقع است. جاده تالون به ارومیه توسط جهاد سازندگی ساخته شده است. دهقانان رانده شده از ده، فعلا در محله جمهوری لر داغی، که در حاشیه ارومیه قرار دارد، ساکن هستند. همه این افراد بیکارند و در وضع معیشتی بدی بسر می‌برند.

جای تعجب و تاسف اینجاست که ارباب این روستا توسط مسئولین منطقه، مسلح شده است تا جلوی ضد انقلاب را بگیرد! البته او نهنها در این زمینه کاری انجام نداده، بلکه مثل دیگر مالکان بزرگ منطقه، علیه انقلاب مشغول فعالیت است. حتی چندی پیش تعدادی از عوامل قاسملو در روستای مذکور، میهمان این شخص بودند.

اهالی که از روستا بیرون رانده شده‌اند، معتقدند که دولت باید زمین‌هایشان را از ارباب پس بگیرد و به آن‌ها بدهد، تا از جان و دل، با کار روی زمین، در خدمت انقلاب باشند.

اهالی منتظرند که مقامات انتظامی هر چه سریع‌تر این مالک زورگو را دستگیر کنند و به سزای اعمال بی‌شرمانه‌اش برسانند.

برگرداندن زمین‌های دهقانان، که ارباب زورگو غصب کرده، یک عمل انقلابی است که باعث می‌شود دهقانان به خانه و کاشانه خود بازگردند و با خیال آسوده کشت کنند و حامی بی-تزلزل انقلاب کوخ‌نشینان علیه کاخ-نشینان باشند. آن‌ها امید دارند که بهار امسال، همزمان با آغاز اصلاحات ارضی واقعی و پایان تسلط شوم بزرگ مالکان باشد.

بخش عمده ارتش بیست میلیونی را دهقانان زحمتکش تشکیل می‌دهند. دهقانان! فوراً به بسیج مستضعفین مراجعه کنید و دستورهای آنرا عملی سازید

بلیه‌ای بنام «خواست اندیشی»

واقعیت چنان نیست که ما می‌خواهیم، چنان است که خود و مستقل از میل ما وجود دارد و تحول می‌یابد، ما باید بکوشیم تا این واقعیت را از راه پژوهش بی‌غرضانه دریابیم.

فلان ضدانقلابی دلش می‌خواهد انقلاب ایران را در "استبداد آخوندها" خلاصه کند، نقش رهاگر و ضد-امپریالیستی و مردمی آن را در همه گستره‌ها نفی کند، "شکلات انقلاب را" (که به طور عمده خود و اربابانشان پدید آورده‌اند) نادیده بگیرد و دست‌آوردهای مهم انقلاب را مسکوت بگذارد، وقتی به او نشان می‌دهید که درست است که در انقلاب ماروانیت مبارز اسلامی نقش مهمی داشته‌ودارد، ولی این انقلاب دارای خصصت استقلال طلبانه و مردمی است و اتحاد جهانی امپریالیسم و دربار و فئودال و سرمایه‌دار را در هم ریخته و زمین‌ها را برای رهایی کلی جامعه ما فراهم کرده است، "جیغ و وییش" در می‌آید و برت و بلا می‌گوید.

حتما واقعیت بیچاره آن طور است و باید آن طور باشد که ایشان می‌خواهند!

ولی واقعیت "تعالی عما یصفون" - بالاتر و برتر است از وصف من و شما. باید غرض را زیر پاهایتان، تفکر و تحقیق علمی را به کار انداخته و از این واقعیت ذوقانست و حرکت، که در آن ماهیت‌ها گاه با ظاهر گوناگون بروز می‌کنند، برده براقند.

پژوهند واقعیت باید دلی وارسته از اغراض، مزی انباشته از شوق حقیقت و خردی جوینده داشته باشد، به قول سعدی شیرین سخن ما: حقیقت، سراپی است آراسته هوی و هوس، گرد برخاسته نبینی به جایی که برخواست گرد نبیند نظر، گرچه بی‌ناست مرد.

این تحقیق می‌تواند شما را به نتیجه‌ای برساند که ابتدا و اصلا با میل، امید و انتظار شما تطبیق نکند، می‌توان از زبان قرآن (که در حق خداوند آورده) گفت: "و تعالی عما یصفون". واقعیت بالاتر است از آن چه که این و آن وصف می‌کنند. محتوی فکر ما تنها و تنها زمانی حقیقت است که این واقعیت خارج از ذهن را - صرف نظر از میل ما و هدف ما - هر چه بیشتر و هر چه دقیق‌تر منعکس کند.

بلیه "خواست اندیشی"، یعنی در واقع شعار کلی "اگر واقعیت مخالف فلسفه من است، پس خاک برس واقعیت". این بلیه‌فکری در کشور ما بسیار مرسوم است. مثلا:

فلان لیسرال دلش می‌خواهد حزب توده ایران انبانی از جنایات و خطاها باشد، وقتی شما به او ثابت می‌کنید که این تصورات شما باطل است، دعوی شما با اسناد و مدارک تاریخی نمی‌خواند و واقعیت تطبیق نمی‌کند، به جای آن که عبرت گیرد و اندیشه نادرست خود را عوض کند، عصبانی می‌شود و بدوی راه می‌کشد.

فلان قسری دلش می‌خواهد مارکسیسم انبانی از دعاوی بی‌معنی و ضد علمی و تجریدات دل به‌خواه باشد، وقتی شما با ادب تمام نشان می‌دهید که چنین چیزی نیست و مارکسیسم نتیجه‌گیری از معرفت علمی و اجتماعی و برانگیختن انسانی است و با تحول و تکامل آن، تحول و تکامل می‌یابد، ناراحت می‌شود، دست به سفسطه و واژگون‌سازی الفاظ و احکام می‌زند.

بررسی اسلوبی بسیاری از بحث‌ها که در محافل گوناگون جامعه ما از نظر امور تجریدی و کلی، یا امور مشخص اجتماعی می‌شود، یک سلسله معایب را آشکار می‌سازد، که از آن جمله بلیه‌ایست به نام "خواست اندیشی" (Wishful Thinking) یعنی چه؟ "خواست اندیشی" یعنی آن که شما تمام آن فاکت‌ها و داده‌هایی از زندگی و واقعیت خارجی را برگزینید که تمایل شما را اثبات می‌کند و آن فاکت‌ها و داده‌هایی را که تمایل شما را رد می‌کند، یا در آن شک وارد می‌سازد، از پیش مسکوت بگذارید، یا اگر هم نتوانید آن‌ها را مسکوت بگذارید، شروع کنید به مسخ آن‌ها موافق میل خود.

واقعیت‌ها، به ویژه واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی، دارای سه خاصیت هستند:

الف) ذوجوانب هستند، یعنی جنبه‌های مختلف دارند. همان‌طور که می‌دانیم در درون سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران هم که تا چندی قبل نظیر چنین ارزیابی‌هایی وجود داشت، تحول جدی در جهت شناخت علمی و منطبق با واقعیت بوجود آورد و اکثریت این سازمان بر اشتباهات گذشته خود چیره شد. ما امیدواریم که تحولات و تجربیات آینده جنبش ما به نیروهای جوان دیگری هم، که هنوز در این‌گونه مواضع نادرست هستند، کمک کند.

در این ارتباط باید موضع‌گیری گروهی از شخصیت‌های سیاسی و به ویژه نمایندگان مجلس را مورد بررسی قرار دهیم که علی‌رغم اینکه در مجموع سمت‌گیری‌های سیاسی خود از خط امام خمینی هواداری می‌کنند و در مواضع ضد امپریالیستی و مردمی قرار دارند، معذالک در برخورد با حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی در بسیاری از موارد در کنار لیبرال‌ها قرار می‌گیرند، در عین این که در عمده‌ترین مسائل مربوط به سرنوشت جنبش، مانند موضع‌گیری در برابر امپریالیسم ضرورت دگرگونی‌های بنیادی به سود محرومان، بطور مشخص در مقابل لیبرال‌ها قرار دارند.

به نظر ما مسئولیت پیدایش این پدیده بطور عمده به عهده انحصار طلبان در طیف هوادار حاکمیت کنونی است. سیاست این قشر که حاضر نیست هیچ‌گونه مخالفتی را با موضع‌گیری سیاسی اجتماعی خود، حتی برای همکاری در یک جنبه، تحمل کند، در "راندن" بسیاری از افراد که به تفکر مستقل و ارزیابی مستقل معتقد هستند، بسیار موثر است، بدون تردید این انحصار طلبی‌ها یکی از مهم‌ترین سدهای خطرناک در برابر مهم‌ترین ضرورت مهم انقلاب، یعنی اتحاد همه نیروهای است که هوادار تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در سمت‌گیری‌های ضد امپریالیستی هستند. تجاوزات آشکاری که از طرف گروه‌های فشار به حقوق دمکراتیک مندرج در قانون اساسی وارد آمده، در تشدید این پدیده تاثیر بسیار جدی داشته است.

از گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران:

نیروهای بینایی در جبهه مبارزه برای پایان دادن به تسلط امپریالیسم

در کنار ۳ اردوگاه عمده میدان نبرد کشور مانیروهای بینایی دیگری به صورت سازمان‌ها و گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی وجود دارند که هويت دوگانه از خویش نشان می‌دهند: از یک طرف سیاست خود را در چهارچوب مواضع پیگیر و آشتی ناپذیر ضد-امپریالیستی اعلام می‌دارند و از طرف دیگر در عمل با جبهه نیروهای سازشکار و تسلیم طلب و حتی در مواردی با نیروهای براندازی همگامی عملی دارند.

این نیروهای بینایی که به طور مشخص در یکی از ۳ اردوگاه سیاسی بالا قرار نگرفته‌اند، عبارتند از: سازمان مجاهدین خلق، گروه اقلیت سازمان چریک‌های فدایی خلق و گروه‌های چپ‌گرای نظیرشان مانند راه کارگر. البته این گروه‌های بینایی در مواضع بیگانه قرار ندارند، و در عین نزدیکی نسبی با یکدیگر، به ویژه در عملکرد سیاسی اختلافات جدی با یکدیگر دارند. این نیروها به طور عمده در مواضع ضد-امپریالیستی و ضد استبدادی و هواداری از خواست‌های خلق جای گرفته‌اند، ولی در عمل، در ارزیابی دقیق لحظه‌دچار چپ‌روی جدی شده و در پیامد این موضع‌گیری چپ‌روانه که آنها را به اقداماتی در جهت تضعیف و براندازی حاکمیت کنونی، یعنی اکثریت مجلس و دولت کشانده است، عملا با لیبرال‌ها و نیروهای خواهان براندازی جمهوری اسلامی در یک جبهه قرار گرفته‌اند.

تحلیلی که این نیروها برای موضع‌گیری خود ارائه می‌دهند بر این پایه است که گویا خطر عمده برای سرنوشت انقلاب ایران، حاکمیت کنونی است و نه امپریالیسم در درجه اول و نه سرمایه - داری لیبرال به عنوان جاده صاف کن بازگشت آن. آنها این طور بیان می‌کنند که گویا با کنار زدن حاکمیت کنونی از قدرت حاکمه (اکثریت مجلس و دولت کنونی) مهم‌ترین سدی که در سر راه گسترش و اعتلای انقلاب وجود دارد، شکسته خواهد شد و در نتیجه قدرت حاکمه به دست "نیروهای رادیکال انقلابی" (منظور خود آنهاست) خواهد افتاد.

همان‌طور که می‌دانیم تجربه بسیاری از انقلاب‌ها و در دوران نزدیک، تجربه انقلاب پرتغال، به بارزترین شکلی نشان داد که چه پیامدهای دردناکی ممکن است از این‌گونه ارزیابی‌های خیال پرستانه و مساجراجویانه برای سرنوشت انقلاب به بار آید. البته باید اضافه کنیم که مسئولیت سنگینی در این زمینه متوجه نیروهای راست افراطی انحصار طلب است که با اقدامات ضد-

لبنان قربانی توطئه...

بقیه از صفحه ۳

فعالیت خود را آغاز کردند و از همان سال بود که لبنان شاهد حملات گسترده و مکرر تجاوزگران اسرائیلی شد. در نتیجه این حملات، قسمت‌های جنوبی لبنان بشدت آسیب دیده است.

اوضاع سیاسی لبنان نیز دارای آشفتگی خاصی است. از سویی روابط متزلزلی که بین موسسات رسمی لبنان و سازمان‌های "جنبش مقاومت فلسطین" در این کشور وجود دارد، و از سویی دیگر برخورد مکرر بین کسانی که از یک سمتگیری متمایل به غرب جدا کردن کشور از هم پیمانی با کشور - های مترقی عرب پشتیبانی می‌کنند، بانیزروهای میهن دوست ملی، که خواهان همکاری‌های نزدیک با کشور - های مترقی عرب و نیز کشور های سوسیالیستی هستند، به این آشفتگی صورت جدی می‌بخشد. در این زمینه باید به درگیری میان حزب لیبرال ملی و حزب سوسیالیست مترقی جدید بهره‌برری کمال جنبلاط اشاره کرد.

قانونی شدن حزب گه‌و نیستی لبنان

در ۴ آذر ۱۳۴۸ (۲۵ نوامبر ۱۹۶۹) رشید کرامی دولتی تشکیل داد، که شامل گروه‌های اصلی بورژوازی لبنان می‌شد. این دولت در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) با

عوامل اصلی این بحران، علاوه بر خرابکاری‌های دسته‌های راستگرا و عوامل امپریالیسم در داخل کشور، توطئه‌های نظامی اسرائیل در جهت سرنگون کردن دولت لبنان و تجربه خاک این کشور بود. این عوامل به بروز برخوردهای مسلحانه‌ای در فروردین ۱۳۵۴ (آوریل ۱۹۷۵) انجامید، که بعدا تبدیل به یک جنگ داخلی شد. در اثر این جنگ خسارات و زیان‌های فراوانی به اقتصاد کشور وارد شد. این جنگ‌ها که تا کنون ادامه دارد، تا بحال موجب مرگ هزاران نفر از مردم این کشور شده است.

تلفات جنگ‌های داخلی

در اثر جنگ‌های داخلی سال ۵۵-۱۳۵۴ (۱۹۷۵-۱۹۷۶) حدود یک چهارم توانایی صنعتی کشور از بین رفت، ۴۰ تا ۴۵ درصد نیروی کار متخصص به کشورهای دیگر، از جمله عربستان مهاجرت کردند و بندر گاه و مرکز شهر بیروت از بین رفت. خرابی‌های ناشی از جنگ در جنوب لبنان از شمار بی‌شمار است. تا بحال بر اثر این جنگ‌ها، چند ده هزار نفر کشته شده‌اند و بسیاری مجروح و معلول بجا مانده‌اند.

مطالعات "سندیگای سراسری کارگری لبنان" (G.G.T.L) نشان می‌دهد که هزینه زندگی در این کشور از شروع "جنگ خانگی" تاکنون ۶۰ درصد افزایش یافته است. افزایش قیمت نیازمندی‌های عمومی بیش از ۸۰ درصد بوده است.

ادامه دارد

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!



کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

جنور از ستن به حزب پدرش ۱۰۰ ریال دکتر حسین از کلن (آلمان غربی) ۵۰ مارک مانوئل آ.آ. به حزب پدرش (آلمان غربی) ۲۵۰ مارک هواداران حزب در بم ۲۰۴۰۰ ریال ج-ج از جیرفت ۲۰۰۰ ریال مجید از جیرفت ۱۰۰۰ ریال سازمان حزب توده ایران در کرمان ۲۵۵۰۰ ریال هواداران حزب توده ایران در ازنلی ۷۰۰۰ ریال خانم مریم از رشت ۱۴۰۰ ریال آقای فرخ از رشت ۵۰۰ ریال آقای آرش از رشت ۲۵۰۰ ریال آقای سپهر از رشت ۲۰۰ ریال احمد، الف از اصفهان ۵۰۰۰ ریال خانواده دهکردی از آمریکا ۱۰۰۰۰ ریال نوشین-م ۴۵۰۰ ریال بیژن و بهرام از زابل ۱۶۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه همدان)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

نگذارید خطر...

باید ماکمل نیروهای مداخله جوی آمریکا در منطقه باشد، گرایش شدید آمریکا به کنترل تمام مناطق حریص منافع حیاتی، او، «شغال خرنده نظامی منطقی» سر فصل آنست. همه و همه بیاتکر آن خطر واقعی است که از سوی امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید قرار داده است. در چنین اوضاع و احوال حساس، بحرانزا و ویژه ای که انقلاب از برون و درون آماج دسیسه و تهاجم و دشنام و افتراست، هر فرد و هر سازمان و هر گروه انقلابی وظیفه دارد که این خطر اساسی را یک لحظه از نظر دور ندازد. بلکه بطور مستم آنرا پی گیرد، با هزار قلم و زبان به مردم، به دولت، به مسئولین، و کلیه ارگانهای مملکتی هشدار دهد و طلب کند که در برابر این خطر عظیم همه متحد و متفق و بیدار، برای راه بستن بر خطر و حفظ انقلاب پشت به پشت هم دهند.

متأسفانه در این میان، برخی افراد، گروهها و روزنامه ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، یا گفته و نوشته خود، چنان خاکی در چشم مردم می پاشند، که خطر اصلی و دشمن عمده از نظر آنها پوشیده می ماند و آنچنان مردم را با مسائل جزئی، فرعی، غیر عمده، دروغ و تحریف شده از سوی امپریالیسم خبری سرگرم میکنند، که دشمن اصلی، که به گفته مکرر امام خمینی، امپریالیسم آمریکاست، از نظر مردم نادیده میشود و مسائل حاشیه ای فکر و ذهن آنان را مشغول میدارد. این افراد، گروهها و روزنامه ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، در همان حال که درباره مطالب پیشیا افتاده

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس شورای اسلامی:

آمریکا، اروپا، ژاپن و ضد انقلاب داخلی برای برگرداندن دوران «پهلوی» تلاش می کنند

- اگر با مسئله سرمایه داری، بویژه شکل تجاری آن برخورد قاطع نشود، انقلاب به بن بست کشیده می شود.
● اندک گردانندگان سرمایه داری صنعتی و گروه بزرگ تجاری به اندازه نصف عملکرد جذب شده بودجه سود برده اند.
● تنگ نظران و کج فکران با شکل گزائی و قشری نگری با عملکرد ناشیانه و دققی به انقلاب لطمه میزنند.
● عزل و نصبهای سازمان صنایع دفاع ملی ابهام انگیز و نگران کننده است.

لبریزی و چندتن دیگر برای قید یک فوریت در لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی مطرح شد. در اینجا حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، در مقام مخالفت با قید یک فوریت سخن گفت و ضمن اشاره به اهمیت این لایحه که «نیاز کشور است» و «از دستاوردهای انقلاب است» تاکید کرد که این لایحه به دلیل اهمیت آن نباید با عجله مطرح شود، زیرا نتیجه مطلوب نخواهد داد. وی سپس گفت:

«طبق قانونی که در سال ۱۳۱۰ گذشته است، دولت ایران می تواند تجارت خارجی را ملی کند. یعنی اگر همین قانون هم نیاید، دولت طبق آن قانون می تواند شروع به کار کند. همین طور که الان در مورد آهن، چای و خیلی چیزها اینکار را می کند. این ها کاملاً قانونی است.»

آنگاه حجت الاسلام مجید انصاری، نماینده زرد کرمان، در مقام موافقت با قید یک فوریت لایحه دولتی کردن تجارت خارجی، از جمله چنین گفت:

«در ارتباط با وضع آشفته بازار و سودجویی های عناصری که جز خون آشامی و چپاول مردم و ملت مستضعف کاری ندارند، روز بروز انقلاب پایگاه مردمی خود را از دست می دهد. ما اگر در میان توده های مردم و میان بازار قدم بگذاریم، این مسئله بوضوح و آشکار بر ما روشن خواهد شد.»

وی آنگاه گفت: «یکسال از عمر مجلس شورای اسلامی گذشته است. اگر قرار باشد این طرح حدود ۶ ماه در کمیسیون مطرح باشد و بعد هم مدتی در نوبت طرح در مجلس قرار گیرد، فکر کنم ضربه سنگینی بر اقتصاد کشور وارد خواهد شد. بخصوص که ما باید در سال ۶۰ و ۶۱ از این به بعد روی بازار مالیات، برای تدوین بودجه حساب کنیم. و این کسر عظیم بودجه را نه از راه فروش نفت، که از راه درآمدهای مالیاتی و غیره تأمین کنیم.»

بهنگام رای گیری در مورد این پیشنهاد، بدلیل خروج چندتن از نمایندگان، مجلس از اکثریت افتاد. مجید انصاری، ضمن اعتراض شدید به این مساله، از رئیس مجلس خواست که مقررات تبیینی مطرحه در آیین نامه در مورد این نمایندگان را با قاطعیت اجرا کند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در پاسخ از جمله گفت: «متأسفانه وزارت کشور در زمینه انجام انتخابات میان دوره ای کوتاهی می کند. روزهای نخست می گفتند شورای نگهبان تشکیل نشده. بعد گفتند لایحه می دهیم. آنگاه عنوان کردند که رئیس جمهور (لایحه مصوب را) ابلاغ نمی کند. حال آنکه رئیس جمهور هم در تاریخ ۶ اردیبهشت ابلاغ کرده است. ناچار من از همین جا اعلام میکنم که ملت شریف ایران بدانند که وزارت کشور دارد منافع کشور را بخاطر می اندازد، زیرا مجلس با این تعداد قلیل نمی تواند کارهای خود را انجام دهد.»

پس از تشکیل مجدد مجلس، درباره این پیشنهاد رای گیری بعمل آمد و تصویب نشد.

سپس مجلس وارد دستور شد و پیشنهادهای نمایندگان درباره مواد لایحه حذف فرمان همایونی، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و چند پیشنهاد تصویب شد. بدلیل پایان وقت مجلس، ادامه بحث در باره این لایحه به جلسه آینده موکول شد.

سرمایه داری صنعتی و گروه بزرگ تجاری، یعنی بازار به اندازه نصف عملکرد جذب شده بودجه سود برده اند.

نماینده رشت سپس هشدار داد که اگر «برخورد قاطعانه با مساله سرمایه داری، خصوصاً در شکل تجاری آن، نشود، انقلاب اسلامی به بن بست کشیده خواهد شد.» وی همچنین گفت: «می توان هم دست سرمایه داران تجاری را باز گذاشت و هم انتظار رفاه مردم و محرومان جامعه را داشت. البته خوشبینی مسئولان نسبت به سرمایه داری تجاری برآستی خطری است که انقلاب را از ریشه تهدید می کند.»

لیبرال کیست؟

ناطق همچنین در مورد گروههای چپ و راست و چپ نما گفت که آنان «بدلیل تحلیلی نادرست از اوضاع و احوال یسا به لحاظ قدرت طلبی و فرصت طلبی به زمینه یی برای سقوط حاکمیت انقلاب برنامه ریزی می کنند.» وی یکی دیگر از خطرات انقلاب را «غربزدگانی» دانست که «شعاری آزادی می دهند، بدون اینکه از عدالت اجتماعی و رفع ستم طبقاتی سخن بگویند.» وی تاکید کرد: «اینها امیدشان به تمامی کسانی است که علیه انقلاب بسیج شده اند.»

رضائی تنگ نظری و قشری گری را یکی دیگر از خطرات انقلاب دانست و گفت: «آن دسته از تنگ نظران و کج فکران که با شکل گزائی و قشری نگری خیال می کنند که در خط امام هستند (اینان با روحانیون مبارزی چون آیت الله منتظری، مشکینی و امثالهم و نیز دانشجویان صادق پیرو خط امام، اشتباه گرفته نشوند)... ولی با عملکرد ناشیانه و دققی انقلاب را از حمایت نیروهای مسلمان انقلاب خالی می کنند.»

وی در این مورد به گروه دیگری اشاره کرد که «تا دیروز حتی در شیوه مقابله با شاه هم با امام توافق نداشتند و الان خود را دواتش در خط امام جا می زنند و انگیزه عمده حرکت آنان فرصت طلبی و قدرت طلبی است و آگاهانه به انقلاب ضربه می زنند.»

ناطق سپس با اشاره به «سرمایه داران بزرگ و وابسته در اشکال مختلف تجاری و صنعتی»، آنان را «مهمترین بخش توطئه گر علیه انقلاب» نامید و گفت:

«پس از پیروزی (انقلاب) قریب ۷۰٪ کارخانه ها از چنگ بخش خصوصی درآمده است. سرمایه داران صنعتی دیروز، که کارخانه هایشان مصادره شده است، همراه با گروه عمده ای از سرمایه داران تجاری، یعنی بازاریان، برآستی ضد انقلابی ترین طبقه جامعه هستند.»

وی تاکید کرد که «حساب پیشه وران خرد و تعداد اندکی از نیروهای مسلمان و متحرک بازار، که اکثراً چیزی در زندگی بجز شرفشان ندارند، جداست.»

رضائی همچنین گفت که: «پس از انقلاب نام اسلام و امام پوششی برای فتح چپاول بازار شد.»

وی سپس رشد سرمایه آوری و قیمت چند قلم کالا را ذکر کرد و گفت: «هیچ ریاضی در طول تاریخ چنین بهره کشی نکرده است.» وی همچنین گفت: «اندک گردانندگان چنان منظره ای میسازند که گوئی هیچ خطری از جانب امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پیروده اش میان انقلابی ما را تهدید نمیکند. همانطور که امام خمینی به تکرار هشدار داده اند، خطر اصلی و دشمن عمده انقلاب ما، امپریالیسم آمریکاست. و به گفته فقیه عالی قدر آیت الله منتظری «مباد روزی که مرگ بر آمریکا فراموش کنیم.» انقلاب ایران امروز بیش از هر زمان آماج توطئه های آمریکاست، زیرا امپریالیسم اسباب کار را از تمامی جهات فراهم آورده است.

نخستین ناطق جلسه پنجشنبه هریس خالائیان، نماینده ارامنه شمال، در ابتدای سخنش تاکید کرد که «جنگ تحمیلی رژیم تجاوزگر عراق به ایران، نخستین و مهم ترین مساله ماست.»

وی در بخشی از سخنانش، متن تحلیلی راکه در مجله «امت اسلامی»، مورخ ۱۵ و ۲۰ ۶۰، درباره احتمال مداخله نظامی ترکیه در ایران چاپ شده است، خواند. در این تحلیل، ضمن اشاره به عضویت ترکیه در پیمان نظامی «ناتو» به وجود ۱۹ پایگاه نظامی آمریکا در نقاط مختلف ترکیه و مسائل دیگر تاکید شده است که با وجود مشکلات داخلی ترکیه، «نباید هرگز از وجود چنین خطر احتمالی غافل بود، زیرا وجود و نقل و انتقالات نظامی این کشور در مرزهای خود یا ایران و مانور نظامی مشترک کشورهای پیمان ناتو و همزمان با آن مانور مستقل این کشور حدود چهار روز پیش در نزدیکی مرزهای ایران و شوروی و نیز تاکید رهبر کودتا به مردم جهت آماده شدن آنها برای یک جنگ احتمالی، خود نشانه ایست برای یک درگیری احتمالی...»

ناطق در بخش دیگری از سخنانش به حملات وحشیانه رژیم تجاوزگر قدس به مردم فلسطین و لبنان و پشتیبانی آمریکا و غرب از آن کشور اشاره کرد و از دولت خواست که پشتیبانی از نهضت های رهایی بخش را توسعه دهد.

دومین ناطق پیش از دستور، رضا رضائی خورشید دوست، نماینده رشت، درباره توطئه ها و خطرهای خارجی و داخلی سخن گفت.

وی با تاکید بر اینکه «جهانخواوران آمریکایی، اروپایی و ژاپنی در راه برگرداندن اوضاع به شرایط قبل از پیروزی انقلاب» تلاش می کنند، اقدامات اخیر امپریالیستها در منطقه را برشمرد. وی از جمله به «قراردادهای اقتصادی و پیمانهای نظامی آمریکا با ترکیه، پاکستان، عربستان، اردن و عمان» و «استقرار نیروی واکنش سریع در منطقه» و «متحد شدن تمام عناصر سلطنت طلب، غرب زده و وابسته در خارج و حمایت آنها از ضد انقلاب داخلی» اشاره کرد.

رضائی در ارتباط با خطرات داخلی از جمله به «تشکل عناصر رژیم گذشته، ساواکیان و عوامل سرمایه داران فراری» و نقش آنان در دامن زدن به درگیریها از دوطرف، اشاره کرد. وی بر لزوم دقت بیشتر «در ترکیب عناصر مسئول انتظامی خصوصاً افراد کمیته ها» تاکید کرد.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!

اگر امپریالیسم آمریکا نتواند «دولت معتدل و میانه رو» مطلوب ریگان را بر سر کار آورد، آنگاه توطئه های دیگر، که تجاوز مستقیم نظامی در آن جای ویژه دارد، به مرحله عمل در خواهد آمد. کسانی که چشم بر این همه فعالیت پرتب و تاب سازمانهای جاسوسی و امپریالیسم آمریکا پیروزی نخواهد داشت.

شانناژ ادامه دارد

شانناژ برچسب «کمونیستی» و «توده‌ای» زدن به هر عملی که بسود مستضعفان، بسود زحمتکشان شبر و روستا باشد، همچنان ادامه دارد، هم از سوی ضدانقلاب پنهان و آشکار و هم از سوی سخنگویان سرمایه‌داری لیبرال ایران. اینان علنا نمیتوانند بگویند که طرفدار فتودال و بزرگ‌مالکنده و مخالف با اصلاحات ارضی بسود دهقانان زحمتکش؛ اینان رسماً نمیتوانند اعلام دارند که طرفدار کلان‌سرمایه‌داران «بازار» و مخالف با ملی (دولتی) شدن بازرگانی خارجی هستند، طرفدار استثمار بی قید و شرط و مخالف توزیع عادلانه ثروت‌اند، طرفدار امتیاز طبقاتی در آموزش و مخالف با آموزش فرزندان زحمتکشانند، طرفدار تبلیغ در رسانه‌های گروهی بسود مستکبران و مخالف با تبلیغ بسود مستضعفانند... میگویند اصلاحات ارضی و اجرای بندهای «ج» و «د» «کمونیستی» است، ملی کردن بازرگانی خارجی «کمونیستی» است، توسعه شبکه تعاونی‌های تولیدی و مصرفی «کمونیستی» است، توزیع عادلانه کالا بصورت جیره‌بندی «کمونیستی» است، آموزش و پرورش همگانی و مجانی «کمونیستی» است، رسانه‌های گروهی «کمونیستی» شده‌اند... و همه این اقدامات، هر اقدامی که در جهت مبارزات مستمرانه بزرگ مالک و کلان‌سرمایه‌دار باشد، هر تصمیم و یا اقدامی که در جهت بهبود زندگی زحمتکشان غارت شده و

ستم‌دیده، اتخاذ شود یا انجام گیرد، به ادعای اینان «کمونیستی» است، حاصل کار «توده‌ای» است که «اتحاد آیدولوژی» می‌کنند و همه‌جا نفوذ کرده‌اند!

هدف عمده این شانناژ دیگر معلوم شده است. هدف عمده آن وادار کردن مسلمانان مبارز انقلابی، که درحاکمیت هستند، به خودداری از حرکت بسوی اهداف خلقی انقلاب، ترمز کردن نوسازی اجتماعی - اقتصادی کشور بسود زحمتکشان و محرومان جامعه ماست.

هدف ضمنی این شانناژ نیز تا حدود زیادی دیگر آشکار شده است. هدف ضمنی آن وادار کردن مسلمانان مبارز انقلابی به تیره‌چوئی خود از اتهام، از طریق پرخاش و بدگویی به «توده‌ایها» و «توده‌ایها» و بدین وسیله ایجاد شکاف و اختلاف و خصومت بین نیروهای مسلمان انقلابی و پیروان سوسیالیسم علمی، در نتیجه، تضعیف مجموعه نیروهای است که خواستار تثبیت و تحکیم و تعمیق انقلابند و در این راه فعالانه و صادقانه مبارزه میکنند.

هدف عمده این شانناژ دیگر برملا شده است. آشکار شده است که برچسب «کمونیستی» و «توده‌ای» و «سوسیالیست» برای تخطئه هر تصمیم و هر اقدام انقلابی، وسیله‌ایست برای سد راه حرکت انقلابی، متوقف کردن آن و واپس‌راندن آن. نقابها

فروافتاده و فرومی‌افتند و دیگر دشوار است و هر روز دشوارتر میشود که بتوان مخالفت با انقلاب و اهداف مردمی آنرا زیر پرده شانناژ، و فشار برچسب «کمونیستی» و «توده‌ای» به این‌و آن و اقدامات انقلابی مستور ساخت.

هدف ضمنی این شانناژ نیز می‌رود برای نیروهای مسلمان انقلابی چنان آشکار شود که جانی برای تفرقه‌افکنی و ایجاد تفاق مصنوعی بین مجموعه خواستاران رزمنده صدیق انقلابی باقی نماند، زیرا هر روز با وضوح بیشتری روشن میشود که مرز میان طرفداران و مخالفان انقلاب، مرز بین مسلمانان و غیرمسلمانان، یا مرز بین مسلمانان انقلابی و پیروان سوسیالیسم علمی نیست، و همانگونه که نمیتوان «توده‌ایها» را برای انقلاب «خطر» و نامود کرد، بهمانگونه نیز نمیتوان با «اسلام‌پناهی» کاذب نقش جاده‌صاف‌کن ضدانقلاب را با موفقیت انجام داد.

ولی شانناژ برچسب «کمونیستی» زدن و «خطر توده‌ایها» از جانب ضدانقلاب آشکار و پنهان و از جانب نمایندگان سرمایه‌داری لیبرال ایران همچنان ادامه دارد. طوفان انقلاب «دقیق» این شانناژ را شکسته، ولی مگر قایق‌نشینان ورشکسته میتوانند در دریای طوفانی قایق شکسته خود را رها کنند؟!!

پیام شادباش سازمان حزب توده ایران در آمل به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران! هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایطی برگزار گردید که مبین انقلاب شکوهمند ما در حساس‌ترین لحظات سرنوشتی خویش قرار گرفته است. مصوبات هفدهمین پلنوم (وسیع) نمایانگر تحلیلی دقیق و علمی از اوضاع بفرنج و پیچیده جامعه انقلابی و درعین حال مویده کارپست خلاق و پویای اندیشه‌های دوران ساز سوسیالیسم علمی بر شرایط ویژه کشور ماست.

حزب ما تنها نیروی سیاسی و انقلابی است که باتدوین برنامه‌ای روشن و تحول‌آفرین، موافق با نیاز نوسازی جامعه و دگرگونی بنیادی در تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بحق رسالت تاریخی خود را به‌عنوان حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران پیش از پیش به اثبات رسانده است. وحدت آیدئولوژیک، سیاسی و سازمانی در رهبری و سراسر حزب، هفدهمین پلنوم (وسیع) را به عنوان پلنومی تاریخی در طول چهل‌سال حیات افتخارآفرین حزب ما برجسته می‌سازد.

ما ضمن تبریک و تهنیت به رفقای ارجمند کمیته مرکزی، بمناسبت انجام موفقیت‌آمیز کار هفدهمین پلنوم (وسیع)، و همچنین به همه اعضا و هواداران حزب، برای خود وظیفه‌ای سترگ قائلیم، تا با الهام از مصوبات پلنوم، با همه تلاش و توانمان رهنمودهای آن را در جهت تحکیم گسست‌ناپذیر دستاوردهای انقلاب شکوهمند بسمن و برای ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و شکوفا تحت بخششیه.

زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!

جاویدباد مشعل فرزندان اندیشه‌های دوران ساز سوسیالیسم علمی!

زنده باد جبهه متحد خلق!

پیرموروا نخست‌وزیر فرانسه شد

روز ۳۱ اردیبهشت ۶۰، فرانسه میران مقام ریاست جمهوری فرانسه را احراز کرد. میران، پیرموروا، عضو هیئت



در پی مرگ ریموند مکریش و پاتریک اوهارا، تظاهرات خونینی در سو اسر ایولند شمالی آغاز شد

ریموند مکریش و پاتریک اوهارا، مبارزان ایرلندی زندان «میز» در شصت و یکمین روز اعتصاب غذای خود درگذشتند. بدین ترتیب، شماره زندانیان ایرلند شمالی، که برای دستیابی به موقعیت زندانی سیاسی به اعتصاب غذا متوسل شده و جان خود را از دست داده‌اند، به چهار میرسد. دولت «لندن» از پذیرش خواستهای بحق آنها لجاجت خودداری می‌ورزد.

در پی پخش خبر مرگ ریموند مکریش و پاتریک اوهارا ز درخوردی گسترده‌ای در بلفاست و لندن دردی و دیگر شهرهای «آلستر» آغاز شد، که به تلفات زیادی انجامیده است.

ریگان به استقرار موشک‌های هسته‌ای در اروپای باختری اصرار می‌ورزد

هلموت اشمیت، صدراعظم جمهوری فدرال آلمان، گفتگوهای خود را در واشینگتن با پرزیدنت ریگان آغاز کرد. بگزارش خبرگزاریها، ریگان تاکید نمود که ایالات متحده بر استقرار موشک‌های جدید آمریکا در اروپای باختری اصرار خواهد ورزید.

در جریان گفتگوهای ریگان - اشمیت تظاهراتی در برابر دکان سفید، برگزار شد. تظاهرکنندگان، که برخی از شهروندان آلمان غربی را نیز دربر میگرفتند، خواهان خودداری از اجرای نقشه استقرار موشک‌های نامبرده گردیدند.

قرارداد نظامی محرمانه میان آمریکا و ژاپن پس از بیست سال فاش می‌شود

در ژاپن، «حزب سوسیالیست»، حزب حاکم این کشور، یعنی «حزب لیبرال دمکرات» را به فریب مردم متهم کرده است. این سخن در بیانیه‌ای آمده است که پس از افشای گزارش ادوین ری شائوئر، سفیر سابق ایالات متحده آمریکا در توکیو، منتشر شد. بموجب این گزارش، طبق قرارداد محرمانه‌ای، کشتی‌های جنگی آمریکایی مجهز به جنگ‌افزارهای هسته‌ای، میتوانند در بندرهای ژاپن لنکر بیاندازند.

ادوین ری شائوئر، در مصاحبه‌ای با روزنامه «مای‌تی»، گفته است که، این قرارداد، در واقع، بیش از بیست و یکسال است که اجرا می‌شود.

انظهارات سفیر سابق ایالات متحده آمریکا شکفت و خشم مردم ژاپن را برانگیخته است.

در «کنفرانس بین‌المللی در باره مجازات آفریقای جنوبی»، سخنرانان از سیاست دولت‌های غربی انتقاد شدید کردند

در مقر «یونسکو» در پاریس، کنفرانس بین‌المللی درباره مجازات آفریقای جنوبی به کار خود ادامه میدهد.

نمایندگان در حدود صد کشور، از جمله ایران، به اتخاذ تدابیر لازم برای منزوی کردن رژیم نژادپرست «اپرتوریا» مشغولند. در این کنفرانس، سخنرانان ضرورت رعایت آکید قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را درباره مجازات آفریقای جنوبی، از جمله تحریم واکذار و صدور نفت و جنگ - افزار به این کشور، یادآور شدند. آنها دولت‌های غربی، بویژه ایالات متحده آمریکا، را بخاطر پشتیبانی از رژیم آپارتاید مورد انتقاد قرار دادند.

آدام کاجو، دبیر کل «سازمان وحدت آفریقا»، گفت: «فرمانروایان آفریقای جنوبی سرکوب، قتل و شکنجه را جزئی از سیاست خود کرده‌اند.»

لئونیدرز لوف در بیامی به کنفرانس یادآور شد که: «دیگر نمی‌توان مجازات آفریقای جنوبی را به تاخیر انداخت. اتحاد شوروی پیوسته از اتخاذ تدابیر قاطع برای ریشه‌کنی نژادپرستی و آپارتاید پشتیبانی کرده است.»

دیدار وزیر خارجه مکزیک از اتحاد شوروی

توسعه همکاریهای متقابل با سولومند با همه کشورهای، از جمله در آمریکای لاتین، تأیید کرد.

وزیر خارجه مکزیک خاطر نشان ساخت که کشور او با نظر اتحاد شوروی مبنی بر کوشش برای ایجاد جو بین‌المللی سالم تر هم‌آراست و از ابتکارات اتحاد شوروی در این زمینه پشتیبانی خواهد نمود.

رئیس جمهوری سوسیالیستی رومانی گفتگوهای خود را در پراگ آغاز کرد

روز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ۶۰، گفتگوهای میان گوستاو هوساک و نیکلای چائوشسکو، رهبران چکسلواکی و رومانی، در پراگ آغاز شد.

نیکلای چائوشسکو برای دیدار رسمی سه روزه به چکسلواکی رفته است. این گفتگوها همکاری میان دو کشور، بویژه در زمینه اقتصادی، و مناسبات بین‌احزاب کمونیست رومانی و چکسلواکی را دربر گرفته است.

گوستاو هوساک و نیکلای چائوشسکو پشتیبانی خود را از همکاری اقتصادی در چارچوب «شورای همساری اقتصادی» و گسترش مناسبات متقابل در زمینه‌های گوناگون اعلام داشتند.

مردم لهستان از «ضد انقلاب خزنده» سخن می‌گویند

بنوشته پراوا: «کوشش حزب متحد کارگری لهستان و دولت لهستان برای عادی سازی و تثبیت زندگی اجتماعی در کشور، با مبارزه سیاسی پیچیده‌ای همراه است.»

گزارش خبرنگار «پراوا» در لهستان یادآور میشود که باید توطئه دشمنان سوسیالیسم را عقیم ساخت.

در مقاله «پراوا» گفته میشود: «تصادفی نیست که مردم لهستان امروزه از «ضد انقلاب خزنده» سخن می‌گویند. هدفهای دشمنان سوسیالیسم در مراکز ضد کمونیستی و ضد لهستانی در غرب هماهنگی می‌یابد. دشمنان آشکار لهستان سوسیالیستی توانسته‌اند در رهبری اتحادیه «همبستگی» رخنه کنند.»

از سوی دیگر، یکی از رهبران بلند پایه «حزب متحد کارگری لهستان» گفته است که گروه ضد سوسیالیستی «دکوس» در لهستان، بدستور دستگاه‌های جاسوسی غرب تشکیل شده است.

یانوش گورچنسکی، در مصاحبه‌ای با «سائوتسکایا ریاسیا» افزود: «با اصطلاح «کمیته دفاع مردم از خود» در «همبستگی» رخنه کرده است، این گروه مخالف، «مشاور» «همبستگی» شده است و قصد دارد که این اتحادیه سندیکایی را به سازمانی سیاسی بدل کند.»

بگفته یانوش گورچنسکی، «دکوس» کمکهای هنگفتی از غرب دریافت می‌دارد.

نامه مردم
ازگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم»
هنوز در اختیار
«نامه مردم» نیست)

چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM
No. 518
23 May 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر «نامه مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم